

طهران می آیند که الی و آخر شهر جب کلاً از آذربایجان حرکت کرده باشند

و در آب می انداختند و در خود کرامات نشان نیز نخبه کرده اند مسلمان کرم تبرکب ما در شکم مرغها پیدا شده است و باین سبب دیگر کسی در اینجا گوشت مرغ نخورد

توپچی و افواج قاهره که حاضر رکاب نصرت انتخاب شدند هر روزه در کمال نظم و آراستگی مشغول مشق میباشند و میران پنجه و تالیان اچودان باشی هر روزه در مشق حاضرند

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان درین اوقات نوشته اند انولایت در نهایت ایت و انتظام است و از انجا که نواب مؤید الدوله صاحب اختیار مملکت کرمان عموم رعایا و برای ادا امنیت و آسایش اندو نوکر ساخلوان سر باز و توپچی و عظام و غیره با حسدی از رعیت خلافت قاعده و بی حسابی روی نمیدهد و امری که دلیل بر بی نظمی باشد از آنها ناشی و صادر نمی شود

افواج حشمه و سواره آنجا حسب الامر حاضر رکاب نصرت انتخاب شده اند و محتمل سببه آوردن آنها از رکاب سبایون نامور شد که آنها را زود و صراحت

سایر ولایات

کرمان نشان درین اوقات در روزنامه کرمان نشان چیزی نوشته اند در باب کزخی که در شکم مرغها پیدا شده است در تابستان گذشته از تبریز و بعضی جاهای دیگر نیز بمباران روزنامه نوشته بودند که کزخی در شکم مرغها پیدا شده است که خوان مرغ که این کرم در شکم او بسم میرسد دیوانه می شود و هر کس از گوشت او میخورد تا خوشش میسرود چون این مطلب از محفل بعید بود در روزنامه آنوقت نوشته لکن درین روزنامه در روزنامه کرمان نشان نیز درین خصوص نوشته بودند از آنجا که غرابت دارد لهذا در روزنامه نوشته میشود و صدق و کذبش نامعلوم است و باینطور نوشته اند که درین اوقات عابرین و سترودین که از بعید آمده اند مذکور نمودند که در شکم مرغها کزخی پیدا شده است یک بار و پنجه پستان خوردن گوشت آن مرغ ضرر دارد و از انجا تا حول و خوش کرمانشان حسیب مرغها را می کشند

دیگر نوشته بودند که نواب مؤید الدوله که نسبت به رعیت رفتند جمعیتی نیز از سر باز و توپچی همسراه خود بردند و عا لجا ه جعفر قلیخان سر تنگ با فرج ابوالحججه خود و عبد الله حکم یاد و توپخانه مبارک که با و عزا ده توپ و سایر اهل نظام همسراه بوده اند و با و صف این جمعیت بطوری حرکت کرده اند که حبه و دیناری رعیت ضرر نرسیده و سیورسات و اخراجات اردو را از خالصات مصرف کرده اند حتی بنرم و تخم مرغ را بقیمت خریدند و کمال آن آن سامان از حسن سلوک نواب سز می الیه کمال رضامندی دارند و خوانین و اعیان بلوچستان از قبیل رشید خان و سید الدین خان و سالار محمد یحیی خان و اعظم خان و مراد خان و غیره حدت مغزی الیه رسیده و تعهد خدمت نموده اند و عا لجا ه علی مدخان سرحد مخلص و نامور شده است که هر کس در کار باشد حدت نواب سز می الیه یاد

فارس

از فرایک در روزنامه کرسیات فارس نوشته شده بود
 سابقا موران صفحات بعلت قلعه داری بعضی از اشرار و معسین
 که در قلعات کمرن ساخته مصدر هرزگی می شدند مغوش بود
 و الی بلوکات از تعرضات آنها آسوده نبودند ولی این اوقات
 مقرب اخاقان میرزا محمد علیخان ناظم الملک کجک نواب مستطاب
 شاهزاده و الیاب رنصره الدوله فیروز میرزا صاحب احتیاب
 مملکت فارس نسبت کرسیات رفقه بود امر آنجا انظم داد
 و سه قلعه محکم بلوک اهرم را که یکی از آنها در صحرا بود قلعه دیگر در
 جبل واقع بوده است از تصرف حاجی ابوالحسن اهرمی که در آنجا
 مصدر شرارت و هرزگی نسبت بقوئل میسرودین می شد
 بیرون آورده و بجای خراب کرده است و خود حاجی ابوالحسن را نیز
 گرفته و بسزای اعمال ناشایسته خودش رسانده است
 و هم چنین دو سه قلعه دیگر هم در بلوک جویم و بیله شهر
 تصرف مفیدین و اشرار بود آنها را گرفتند و خود اشرار را
 مقید و مجبوس ساخته است در عیالی که از تعرضات آنها
 بترق شده بودند بالتفات اولیای دولت قاهره امیدوار
 کرده است و بالفعل همگی از تعرضات مفیدین و اشرار این
 و مشغول زراعت و آبادی آنجا هستند
 سابقا از حکام بلوکات جهرم و قیرکان زمین و آبکاء و دارالخبره
 چنان بوده است که اجناس غیر مرغوب از قبیل خرما و غیره
 بر عیالی آنجا طرح داده قیمت مسکرفه اند چون این عمل و خلق
 دیوانی ندانسته و حکام محض منفعت خود علاوه بر قرار داد و آینه
 مرتکب این عمل می شدند مقرب اخاقان ناظم الملک این عمل را

۳۴۶

بجلی بر وقت و متروک داشته است و سنگ لعنت نام
 در آنجا نصب کرده است که دیگر هیچک از حکام آنجا نتوانند
 مصدر این عمل که مایه ضرر رعیت است و دخل بدویان ندارد
 و از این معنی نوع رفاه و آسایشی از برای عسوم رعایای آنجا
 حاصل شده است

نصرت الله خان پیکر سبکی سابق لار و قباد خان قفقانی و احمد خان
 بهارلو که از حکام سابق فارس روگردان بودند این اوقات
 باستمال مقرب اخاقان ناظم الملک همگی قدر خدمت را
 دانسته خدمت نواب شاهزاده آمده اند و نواب مستطاب
 نیز در باره هر یک از آنها اظهار التفاتی نموده و آنها را بالتفات
 اولیای دولت قاهره امیدوار ساخته اند و بالفعل همگی آنها
 مشغول خدمت هستند

از شهرایک در روزنامه کرسیات نوشته شده بود
 زراعت کاران آنجا بعلت قلت بارندگی جنبلی اضطراب
 و تشویش داشته اند ولی این اوقات از تفضلات
 خداوندی چهار شبانه روز علی الاتصال در آنجا بارندگی شده است
 سجدی که اغلب خانهای رعیت را خراب کرده است و از زلزله
 این رحمت الهی آنجا از تشویش و اضطرابی که داشته اند بیرون
 آورده اند

اخبار دول خارج

در روزنامه های دول خارجه که درین هفت میباشین روزنامه
 رسیده آنچه قابل نوشتن بود در باب نهریک از دول خارجه
 درین روزنامه ها نوشته می شود بمحلا کمال دوستی و اتحاد
 ما بین اکثر پادشاهان فرنگستان بود و در هیچ طرفی گفتگوی
 سفارت نبود

انگلیس

در باب اینکه در بعضی از روزنامه های انگلیس ضرب از لوی ناپلیان
رئیس دولت فرانسه نوشته بودند لاری دجان شیل وزیر اعظم
دولت انگلیس و لاری دپارستین که سابقا وزیر دول خارجه بود و
لاری دگری و زیر مالک خارجه و لایت انگلیس روزنامه یونان
ازین عمل منع کرده بودند در روزنامه نوشته اند که منافعت که در
خلاف قانون آزادیست که در ولایت انگلیس از قدیم معمول بوده است
و لکن بعد از آنکه خوانین و اهل مشورتخانه منع کردند روزنامه یونان شهر
لندن نیز ضرب نوشتن از لوی ناپلیان را در روزنامه های خود

موقوف کردند

درین اوقات طلای فراوان بلندن آورده اند اگر چه قیمتش چندان
تزلزل نکرده است اما باینسترا آنست که بمصرف میرود و آنچه بضر
پادشاهی می آورند در پانکی و صافی همه یکجور باشد سابقا
هر قسم طلا که بود تفاوت قیمتش در مشرانخانه بر می داشتند
بچه اینکه زیاد دارند و تقدیر ضرورت دارند خبر کرده اند که باید طلای
بضر آنخانه می آورند در پانکی و صافی همه یکجور باشد
یکی از روزنامه ها نوشته اند که یکی از تجار شهر لندن بیشتر از یک

خاک طلا دارد

در باب فراریهای هر ولایت که در لندن جمع شده اند نوشته اند
که چون بسیاری از آنها که زمان نشیند انسانی دولت احتیاط
که نهاد از بی چیزی و بیکاری مشغول کارهای بد بشوند قرار گرفته اند
که آنها را با سبیل و غبت خودشان و کشتی گذاشته بولایت
شمالی بفرستند کسی نمیداند که اخراجات فرستادن فراریهای
پای کبست اما کان دارند که دولتین انگلیس و فرانسه با هم این

بهند

در ولایت انگلیس سی از قشون نظام دارند که بجز میباشند و ما میباشند
که بزبان فرانسه کرده اند تا آنکه میگویند تا عهد مشیق و لباسان مانند
قشون رکابیت و لکن جنس از برای محافظت خود ولایت است و بنجای
از دیوان بواجب کم بگیرند و در ایام الاوقات در کابیناها نشانی بکاه
یا دو ماه مشق میکنند قشون دولت انگلیس کلا و اطلب اند و لکن این
لطیفه را با حکم بگیرند درین روز با جاد دارند که شصت و هفتاد هزار ازین قشون
بر پانمانند که مشق میکنند و همه سپاهیان میباشند که اگر وقت
ضرورت لازم باشد بکار دولت می آیند و در وقت و چشم رسیدنی
در مشورتخانه پادشاه انگلیس گفت کوی اخراجات حاضر کردن این

قشون را کرده بودند

روس

تا پنج روزنامه آخر که از شنبه پترزبورگ پای تخت ممالک روس
ششم جمادی الاول بود تا پنج روزنامه های سایر دول فرنگستان
هر یک از دول خارجه نوشته شد
در باب خانه کشتی از رودخانه گرگه انگلیس میگذرد درین روزنامه نوشته اند
که اول کسی بخیاں را از کشتی درین رودخانه افتاد و نظر گیر بود درین روز
مگر از دیوان حکم شد است که کشتی بخار کو چک سبک با بخار فته از دریای خزر
داخل رودخانه گرسود و جایی آن رودخانه که ممکن باشد برود و عین دم

آب جمع شدن در یک و شد جاری شدن آب را همه ملاحظه نماید راه برودن
کشتی در این رودخانه اشکالی که در این است که از جای جنگل و درخت
در اوقای سبیل درختها کند شده میان رودخانه می افتند و در اینجا
جمع میشوند و یک دره در آنجا است میشود آب تند جاری میکند
مانع ترزد کشتی میشود و از آن گذشته اگر کشتی باین درختها بخورد
می شکند و بجهت در آمدن این درختها و عین کردن رودخانه و کشتی
پس که درین سطح است حسب حکم جانشین امپراطور روس درین

و صخره بخار و سبایی که بجهت این غسل لازم بود درین کشتیها گذاشته
 چونکه دیدند که پاک کردن رودخانه و در آوردن درختها باینطور هم
 بسیار در موسم زحمت زیاد این سبب را موقوف کرده اند و این
 دیگر ساخته اند که این درختها را از کنار رودخانه پیش می کشند و از
 بیرون می آورند و با این سبب درختها و زار و رود اند که دو هزار و پانصد
 پونته وزن داشته قسم دیگر هم بجهت راه آوردن این درختها و
 کردن ریخته رودخانه دارند این است که بار و ط را در میان
 این یا تنگه مسکند از رود صخره الماسر شش میده سبب این کار
 چاکران دولت روش تدارک زیاد دیده اند و هر وقت که
 رودخانه قدری کم بشود راه خواهند گذاشت و اگر ترقی
 در رودخانه گردد رست راه میفتد و تدارک بکیر و منفعت زیاد بکیر
 خواهد کرد و بجهت شهرهای استرخان و سکو و غیره در ولایت
 نیز وضع خواهد کرد از اینک اجناس ولایت روس بر راه آسان
 و کم حسرج داخل کرجستان میشود و اجناس کرجستان نیز از
 جمله پشم و کورک و روناس و پیل و ابریشم و پنبه و تنباکو
 و برنج و میوه خشک و غیره بر راه آبی زحمت از آنجا داخل وسط
 مملکت روس می شود و چونکه آن سمت مالک کرجستان
 مشهور است اجناس زیاد از آنجا بولایت روس خواهند
 فرستاد

در روزنامه سنت پترزبورگ که بتاریخ چهارم جمادی الاول
 زده اند نوشته اند که اعلیحضرت امپراطور به قول اول پرنس و
 بجهت رشادت و شجاعتی که در زمستان گذشته در جنگ
 دانستان کرده بودند نشان سنت زار زالتفات فرستادند

فرانس

حساب عمل کوزمیزان این ولایت را در روزنامه دولتی چاپ

و موافق این روزنامه باین مقصود است عمل کرده میسران
 مانسیه که در جمله بزرگ زمستان گذشته تمام شده است
 که در ولایت و دوازده هزار تومان چیزی بالاتر از میزان عاید
 دیوان شده است و سبب سالی پیش تنزل کرده و کم آمده است
 سال پیش بیست و چهار کرد و چهار صد و شصت و نه هزار و
 و چهل و شش تومان عمل کرده بود و در دو سال پیش ازین بیست و
 دو و بیست و شش و پنج هزار و شصت و بیست و شش تومان عمل
 کرده بود باعث این تنزلی که سال بسال کرده است نامی حکمت
 فرانسه بوده است که درین چند سال تجارت تجار در پیشرفته

بازی سینگ که موافق قاعده ارتنی بایت پادشاه مملکت فرانسه
 کاغذی نوشته است و در روزنامه چاپ زده اند و درین کاغذ
 که در مملکت فرانسه هر کس دلخواه این است باید بطوری راه برود که این
 نظمی که حال در ولایت است تقسیم نرند و اگر وقتی من تاج تخت
 که حق خود میدنم برسم از نیکو امان خود و نخرنی شوم که چاره ای
 مملکت فرانسه در دست دیگری بوده است با وجودت کرده اند بعضی
 از هواداران بازی سینگ بامقصدین فرانسه که میخواهند دولت
 ولوی ناپلیا زایم بر متفق بر مصلحتش بودند که آنها طالب
 بودند مقصدین طالب جمهوری و بیکر که خودشان میخواهند لکن در
 دولت ولوی ناپلیان و جمهوری با متفق بودند بازی سینگ این عمل
 کرده و گفته است که خیر خواهان من نباید با چنین اشخاصی
 و آنه اند هم شور و هم مصلحت شوند

در اوقاتی که در ولایت فرانسه دولت جمهوری بر پا کرد و غیر از
 لقب خوانین انولایت را موقوف کرده بود و اسمی بعضی از کجا
 دیدانها و جایهای دیگر را بیکر که فوسبیل و شان بود در شهر

در اوقاتی که در ولایت فرانسه دولت جمهوری بر پا کرد و غیر از
 لقب خوانین انولایت را موقوف کرده بود و اسمی بعضی از کجا
 دیدانها و جایهای دیگر را بیکر که فوسبیل و شان بود در شهر

کرده بودند حال از این کویها و جایها را در شهرهای نایبانیان باقی
و اسامی قدیم موسوم کرده است

در روزنامه فرانسه نوشته اند که مشورتخانه این ولایت در اوایل
ماه جمادی الاول یا در اوایل جمادی الثانی در پاریس جمع
دوازده شهر و قصبه و بلوکات آن ولایت موافق قاعده که در
و کلیات مشورتخانه مذکورین میگردند

در شهر پاریس تجارت بسیار بود و گویند مردم مستور المینا
و خاطر جمعی ببارود و وام دولت خود داشتند تا در بعضی از
شهرهای اطراف فرانسه داد و ستد خوب بود و کار مردم
خوب پیش میرفت

سابقا وقتی که دولت فرانسه اسب سبزه نظام خواستند
ایامی که صلح مابین دوستین انگلیس و فرانسه بود این اسبها
از ولایت انگلیس میخریدند چون که در ولایت انگلیس اسب زیاده
و درشت دارند و قیمت هم ارزان است درین روزها خیال
داشتند که دولت فرانسه بجهت نظام اسب از ولایت انگلیس
خواهند خرید اما چون که درین ایام مردم در ولایت فرانسه بسیار
زیاد شده است سعی و کوشش میکردند که بلکه اسبهای کمی
نظام آن ولایت لازم است از اینجایی مای خود فرانسه جایجا
احوال معروف

در روزنامه سابق نوشته شده بود که دولت انگلیس با دولت فرانسه
که مملکتی است مابین هندوستان و چین گفتگویی داشتند و گمان
بود که بجزگ میجر شود بسبب اینکه نسبت بعضی از تجارت انگلیس که در
ولایت برمه معامله داشتند ظلم و بیابانی از دولت برمه شده بود
درین روزنامه نوشته اند که این گفتگو با اصلاح گذشته است و در
هندوستان مدارک جنگ که میزدند قشون برمه بشدند و قشون

دولت روسی و نیای ششالی کشتیهای جنگی خود را قدری زیاد کرد
و چند کشتی بهمت آن دکنیز میفرستادند که مسرا کشتیهای دیگر
آمد دولت که در آنجا میباشند که پیش نمانند و محافظت کشتیهای
تجارتی را که در آن سست دارند بکنند چند کشتی هم بهمت چین
میفرستادند و چند کشتی نیز بمندوستان روانه می کنند و چند
بجزیره چان که تابع چین است روانه می کنند بجهت اینکه از این جزیره
چان نسبت تجارت روسی دنیا که در آنجا تجارت میکردند ظلم و تعدی
شده است

چند نفر از کشیشان انگلیس در مملکت مجارستان بودند درین روزها
دولت استریه آنها را از آنجا بیرون کرده است در خصوص این کار
در مشورتخانه انگلیس گفتگویی شده است و یکی از اهل مشورتخانه از
لایه جهان رسیل وزیر اعظم انگلیس پرسیده است که درین خصوص
مابین دولتین انگلیس و استریه چه گفتگو شده است مشارکه در
جواب گفته بود که آنچه دولت استریه کرده است موافق قانون دولت
خودشان بود و در ایام قدیم در مملکت مجارستان در خصوص دین و
مذهب آزادی تمام بود و چند سال پیش این قاعده را باز قرار
کرده بودند و لکن در این ایام امپراطور استریه این قاعده را برهم
زده است و بیرون کردن کشیشان بزور موافق قاعده ولایت خود است
اما اگر کشیشان در بیرون آمدن از آنجا حاضر و خستنی کشیده باشند
موافق قاعده این است که دولت استریه از عهد ضرورت
آنها باید براید

از رومه نوشته اند بتاريخ نهم ربیع الثانی که قشونی که پاپا سیمون
ولایت خودش خواهد گرفت بدین طریق است پنجاه نفر از اطراف
سویس و استریه و بواتیه و بعدن خواهد گرفت و سه هزار و پانصد
از خود مملکت رومه حالا پنجاه نفر دارد و سایر قشون که میخواهد ببرد

آنچه ممکن باشد از اول خارج یکدیگر در ازل و لایت خودشن و از
 سوار و توپچی پیاده و هر قسم قشون بیست هزار خواهد نگاه داشت و در
 هر قشون این قشون دولت استریت بی پادشاه و حمایت خواهد کرد
 در یکی از روزنامه های میسره که گزیت و وزیر نورق میسره نامند نوشته
 که پادشاه و بنامک انقصر اگر مقصربین دولت خود که در جنگ
 بقشون پادشاه جنگ کرده بودند گذشته و عفو فرموده است
 و بعضی از صاحب منصبان و تالیق قشون استین را داخل قشون
 کرده است

دیگر است هر کس ازین اسباب خریدار باشد درین دو روز
 که من شده است با بنجاره قشون می نماید
 در کوچه فریمان نزدیک دروازه شاه عبدالعظیم یک خانه که
 ذریع زمین و زرع اندر زرع دارد و مثل براند رونی و بیسرونی
 طویل و عنبر است و شیمن عالیجاه در ازل استخوف بود
 میشود هر کس طالب باشد که خانه فرورد را ببیند و خریدار باشد
 بنزد موسیو ریشاد که وکیل فروختن خانه فرورد است و قبایل
 خانه در تراوست رقیه می باشد

کتابهای چاپی طهران در گانه حاجی عبدالعظیم استاد دارالطباعة

این روزنامه در نزدیکی دروازه دو لایب از ایتقان فروخته میشود

۱۰۰	کتاب کسکول	هشت هزار دینار
۱۰۰	کتاب حدیقه ایچ	یک تومان
۱۰۰	کتاب زینت المجالس	یک تومان
۱۰۰	کتاب فصول خواندنی	دو تومان
۱۰۰	کتاب قصص الانبیا	چهار هزار دینار
۱۰۰	کتاب حدیقه ثنائی	یک تومان
۱۰۰	کتاب یوسف و الخفا	چهار هزار
۱۰۰	کتاب حق البقین	پانزده هزار
۱۰۰	کتاب حسینه	چهار هزار
۱۰۰	کتاب حلیه	یک تومان
۱۰۰	کتاب الفایلی	بیت و پنجاه
۱۰۰	کتاب تاریخ منجم	پنجاه هزار دینار
۱۰۰	کتاب جنات المخلود	پنجاه هزار دینار
۱۰۰	کتاب تاریخ نادیر	پنجاه هزار دینار
۱۰۰	کتاب جامی	شش هزار دینار

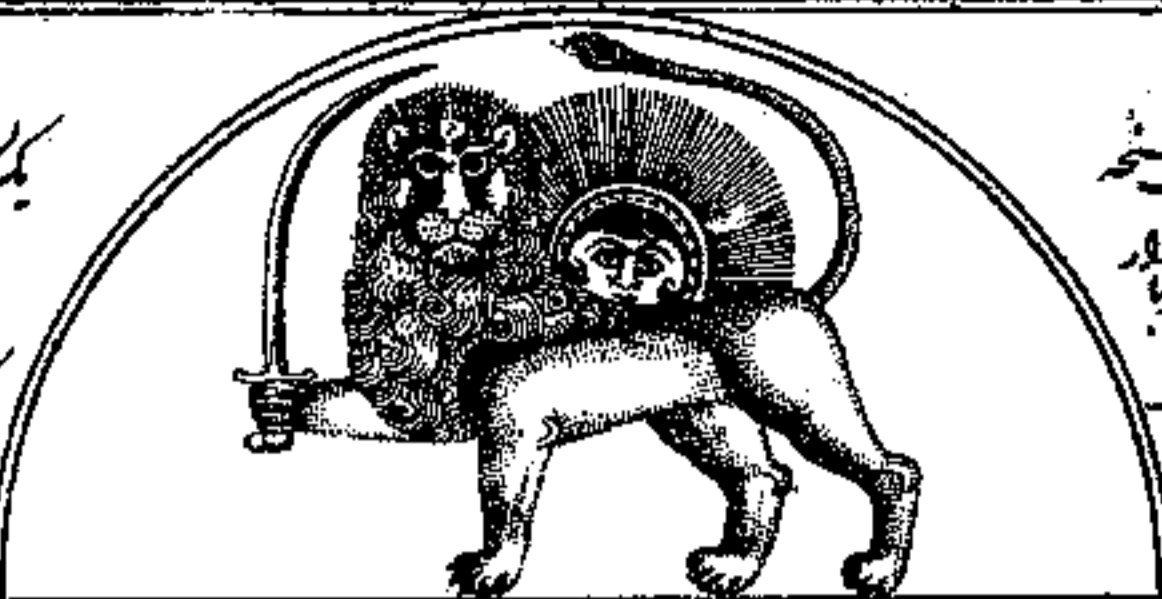
در بین نوشتن و حاضر کردن این روزنامه از استیضاح بطرز یونع
 پای سخت مالک روس روزنامه مجده رسید و تاریخ آخر که
 از اخبار شهر لندن داشتند سلخ شهر ریح الثانی بود و اخباری که
 از اخبار نوشته بودند این بود که لاریو جان رسیل و سایر روزی
 پادشاه انگلیس چون که دیدند که کار دولت را بطوریکه منفعت دولت
 نتوانستند راه ببرند از پادشاه استعفی شده و از مناصب خود
 استعفا نموده معزول گردیدند و لاریو و ریبی که از خوانین قدیم
 ولایت انگلیس است وزیر اعظم گردیدند و لاریو و ریبی که از خوانین قدیم
 انگلیس است بجای لاریو و ریبی وزیر دولت خارج شده بودند
 اسامی اکثر وزراء نیز که هر یک بشغل علاقه منسوب شده اند
 درین روزنامه نوشته بودند

اعلانات

فر و آرو ز جمعه و پس فر و آرو ز شنبه از ظهر تا وقت عصر اسباب
 موسیو ریشاد و منزل خودش در نزدیکی دروازه شاه عبدالعظیم
 هراج می شود و در میان این اسباب چند عدد ساعت ساز
 و نقشها و تصویرات و ظروف چانی خوری و بنجاری بیج و سایر اسباب

روزنامه وقایع اتفاقیه بتاریخ روز پنجشنبه ۱۳۰۶ ماه رجب المرجب مطابق سال سیچان میل

قیمت روزنامه
یک ششماهه
قیمت اعلانات
یک سطر تا چهار سطر
شش ماهه



نشریه و چاپ
برسر و طبعان طالب
لین روزنامهها
صدر و درگاه
بلور و سر و دست

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دار الخلافه طهران

چون هر سال بعد از عید نوروز سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی
نظر بقطر مرحمتی که در باره علمای اعلام و مجتهدین ذوی الاحترام
و فقه المذاهب دارند بجانچه چند نفر از رؤسای علمای مجتهدین
شده آنها را بیدیل توجه لوکانه قرین اعزاز میفرمودند لهذا در روز
یکشنبه بیستم و هفتم ماه گذشته نظر بقاعده سه ساله بجانچه چند نفر
از علمای مجتهدین تشریف فرما شده بذل التفات دربار
آنها سفر نمودند

پادشاهی بنواب شاهرخ میرزا رحمت دو اگدار گردید
چون حسب الامر اعلیحضرت پادشاهی اختیار حکومت عراق
در روزه السیچان سیدین بجناب مقرب انخاقان مستوفی الممالک
رحمت دو اگدار گردیده است مقرب انخاقان مشاور الممالک
نیر علیجاه لطفعلی خان نایب مقرب انخاقان اجدان با
بر حسب حکم هایون از جانب خود بنیابت حکومت عراق
مستخین در روانه داشتند

در روز سه شنبه بیست و نهم ماه گذشته موکب مسایون
اعلیحضرت پادشاهی بقصر قاجار تشریف فرما شدند
و سواره حلام و عنبره با آراستگی تمام در حضور جایون
این اوقات اولیای دولت قاهره حسب الاشارة العلیه
حکومت خوی را بتوابع شاهزاده محمد رحیم میرزا رحمت
دو اگدار نمودند و فرمان حکومت و خلعت مهر خلعت صادر
و بافتخار توابع سزای الیه ارسال گردید

چون مقرب انخاقان عباسقلیخان سرتیپ نوری در
صفحات خراسان مصدر خدمات نمایان گردیده
و خاطر اقدس هایون اعلیحضرت پادشاهی را از حسن
اهتمام در خدمات محوله بخود خورسند داشته بود

این اوقات اولیای دولت قاهره حسب الاشارة العلیه
حکومت خوی را بتوابع شاهزاده محمد رحیم میرزا رحمت
دو اگدار نمودند و فرمان حکومت و خلعت مهر خلعت صادر
و بافتخار توابع سزای الیه ارسال گردید

لهذا اولیای دولت قاهره حسب الاشارة العلیه
یک رشته جمایل سرخ مرتبه اول سرتیپی مقرب
مشاور الیه عنایت و رحمت فرموده و او را باعطای
جمایل مزبور بین الامثال و الاشراف قرین مفاخرت
و مبالغات داشتند

و سیم چنین حکومت ولایت خلخال حسب الامر اعلیحضرت

علی حضرت پادشاهی که در روز سه شنبه بقصر تاجا تشریف فرما
 شده بودند در رجعت از آنجا چون بجناب حبلت آب صدیق اعظم
 قونجی ماریش شده بود اتفاقا فرموده برسم عیادت شما
 جناب معظمت الیه تشریف برود
 شکل پول قدیم که در شهر شوش پیدا کرده و بدو از ممالک ایران آورده



از قراریکه عالیجاه مقرب الخاقان میرزا جعفر خان شیراز ولایت و در
 در ضمن فرستاد خود با ولایت دولت علیه نوشته بود در شهر شوش
 شوش واقع در چهار فرسخی شوش آثار عمارت های بسیار سنگین از
 زیر خاک بیرون آمده است از جمله عمارت اردشیر دراز دست
 که مثل بی شش ستون سنگ یک پارچه است و فاصله هر
 ستون از دیگری ستر نه ابلت افتادن و سنگت شدن های
 آنها معلوم نیست و لکن از زیر ستون و در ستون که اکثرش صورت
 گوساله و غیره دارد معلوم میشود که ستونها بسیار بلند بوده است
 با وجود اینکه در صحای عربستان یک کرده و یک پارچه سنگ پیدا
 نمی شود می و شش زیر ستون هم در پیش روی همین عمارت بود
 و پیدا شده است دلالت میکند که آنجا جای سلام بوده است
 این عمارت در طرح و وضع مثل تخت جمشید است و هیچ
 ندارد بعضی از ستونها بنحویه سیرانی و کله می نوشته دارد که حوادث

اعظم را خاک نموده اند و اگر آنجا که شصت و هشت من وزن دارد
 با خطوط مشتمل بر احوالات نقوش است و در بالای یک عمارت قدیمی
 پول نقدی بخاک کوفی بیرون آمده است معلوم میشود که بعد از غلبه
 عرب این پولها را دفن کرده اند و نقوش سنگ های این پولها ازین
 قرار بوده است بقره دمشق و این خط مشهور است نیشابور در آنجا
 این خط کوفی از آنجا که سکه واسط است مسنون نموده اند و این
 دولت علیه فرستاده اند که صورت آن در بالای این صفحه
 نوشته و چاپ شد و این صورت که کشیده شده است مانند
 همین پول است که نمون آورده اند و صورت سکه هر دوری پول
 که خط کوفی بود بعینها نوشته شد و دو صورت دیگر همان
 عبارت سکه است که بنحویه نوشته شده اند تا واضح باشد
 تاریخ سکه این پول در سنه یکصد و پنجاه است که هزار و صد و
 سال قبل ازین ایام باشد و تعجب است که بعد ازین نیشابور
 چگونه تازه و نوصفا مانده است

چونکه رشادت و شجاعت از جمله صفات مدوح و پسندیده
 و سزاوار تعریف و توصیف است لهذا جلالت و شجاعتی که
 این اوقات از چند نفر تفنگداران علی حضرت شاهنشاهی اتفاق
 افتاده است نوشته میشود از قرار نوشته شجاعتی که از شاهزاده
 بطلام سیده و چند نفر از تجار و غیره نیز من جیش از رویه نقل تقریب
 کردند قافل و زوار که از خراسان می آمدند با این منزل مسافری
 و شاهزاده نزدیک قلعه رحمت آباد قریب سیصد نفر سواره
 از آنجا آمدند سواره قافل و زوار را گرفتند بزرگ و از وقت نفرز
 از تفنگداران علی حضرت پادشاهی که بعد از انجام ماموریت از
 خراسان مراجعت کرده سواره قافل و زوار بوده اند یکی از آنها
 که مصطفی قلی خان مقدم است اقدام بجلا دت نمود و با تفنگ

دولت بجلو سوازه مزبور رفتند و سه تیر خالی کرده و سایر
 تفنگ داران نیز فرسج بیک واقابیک و شاه پلنگیک
 و عیسی بیک شتاقی و عیسی بیک مزیدی و رضا فلی بیک
 باشند متعاقب شازادیه خود را بانداد رسانده اند اول
 چون زوار و قافلده کم بوده اند کمال وحشت داشته اند
 بعد از تهور و جرئت تفنگداران مزبور که چند نفر از کجا
 و اسبهای آنها را پتیر زوندگی کی را مرزده و چند نفر
 دیگر از خندار زنگانان بر روی اسب انداخته و سه نفر اسیر
 که همراه داشتند بجا گذاشته بر کشتن اهل قافلده
 که بعضی از آنها استخار بودند و شجوه عمده داشتند بکجا
 و اطمینان بجز است و جلادت تفنگداران مزبور بمنزل رسیده
 و این کمال رشادت است که هفت نفر رفع حسد
 سید سوار از جمعی قافلده زوار کرده باشند

سایر ولایات

عربستان از قریب که در روزنامه انولایت نوشته بود
 بلده حسرم آباد چون آب جاری نداشت اهل آنجا
 بواسطه کم آبی و نبودن آب جاری بعشرت و تنگدستی
 بوده اند نواب شاهزاده احتشام الدوله حاکم آن عربستان
 و لرستان و نجشیری و نسیره در یک فرسخی شهر
 مزبور آثار نهمی از قدیم یافتند آنحضرت رفاه حال
 مالی بلده مزبور و حصول دعا کونی بجهت دولت جاوید
 علیه مزبور را احضر نموده و آب را در محلات خرم آباد
 جاری ساخته اند و اهل آنجا ازین رکبند سسه آسوده و رفاه
 کرده و عریضه پابهر بسنی بر اظهار شکر گذاری و دعا
 کونی بدر بار سده این فرستاده اند

در اوقاتیکه نواب شاهزاده احتشام الدوله در شوشتر
 توقف داشته اند بعضی از شکار ببلوک موسوم بعقل
 رفته بوده اند بعد از آنکه رسیدگی در امر رعایای آنجا نموده
 بلوک عقلی جمعی که از قدیم داشته است بسبب بر طرف
 شدن خلق آن از طاعون آن جمیع قدیم از پیش
 بعقل نبی آمده است و بسیارترین دیوانی مفصل تومان
 جمع آنجا را بر شمار تقسیم کرده بوده اند و هر ساله
 بر شمار سیکر فته اند و این بسبب اغلب رعایای
 آنجا متفرق شده بوده اند نواب معززی لیس
 بلاخط حسرتی بلوک مزبور و پریشانی رعایای آنجا
 بر شمار آنها را قسم تخفیف داده اند و امید است که
 بعد ازین آنجا بخلید آبادی در آید

پل شوشتر را چنانچه در روزنامه های سابق نوشته
 شده است نواب شاهزاده احتشام الدوله بحکم اولیا
 دولت علیهمی ساختند چون در سال گذشته تمام
 آنده بود در ایام بارندگی و طغیان آب چند حشده
 آنرا استیل برده بود درین اوقات نواب معززی لیس
 آدم و پشاه عمده و مصالح و ضرورتات آنجا را مهیا نموده
 و فرستاده اند که وقتیکه آب فروشت مشغول کار و اتمام
 آن باشند

در شوشتر خرابی چندی بود که موقوف شده بود درین اوقات
 اولیای دولت قاهره و قراقرز داشته اند که بازمانده قدیم خرابی
 در آنجا را بیفتد و سکا شراوند سایر ولایات رواج باشد
 و مقرب آنجا فان معیر الممالک خرابی با آنجا مشخص کرده و سرنگ
 سکه با آنجا فرستاده و در کارند

آذربایجان

از فرار یک در روزنامه آذربایجان نوشته بودند در وقت
 ماه جمادی الاول که عید سعید سلطانی بود نواب شایسته
 حشمت الدوله صاحب مملکت آذربایجان سلام عید نمودند
 و بکل اسناد اعیان آذربایجان و غیره خلعت دادند و شاهزادگان
 عظام و علماء و فضلا کلا در مجلس نواب شایسته بودند
 بعد از خوانده شدن خطبه و دعا کوفی دوام دولت جاوید
 اعلیحضرت پادشاهی شینلیک توپ بحکم مقرّب انخافان
 شده و شاهی عید بهی جا کران دادند

ارغام صادر شد که از فرار قضا تا آخر سال نخواهد نظام را
 به بند و سیم چنین احکام صادر شده است که موجب است
 افواج قاهره مانورین دار انخلاف را از محل خودشان در اول
 سال با فوج مفصله بپند

فوج بهادران ابوالجمع عالیجاه
 قاسم خان سرسبز

فوج شازدهم ابوالجمع عالیجاه
 ابوطالب خان سرسبز
 علی نقی خان سرسبز

فوج بیستم ابوالجمع
 عالیجاه عسکر خان سرسبز

حکام اولیای دولت علیه کتابخانه امراض و غیره با سه
 نموده اند عالیجاه حاج سیراجباز ناظم المہام یکصد جلد از آن کتابها
 بدار السلطنه تبریز فرستاده بود نواب شازده حشمت الدوله
 کتابهای مزبور را بولایات آذربایجان فرستاده اند که اطباء
 و علماء عموم ناسن سه ملاحظه نموده در وقت ضرورت از آن
 معمول دارند

نواب سیرازده بهادر میرزا که مدتی ناخوش بود در حجت یزدی سپوت
 شاهزادگان عظام و کل جا کران تشییع جنازه حاضر شده با کمال اغزاز و
 احترام جنازه اورا بیعت جناب سید حمزه علیه الرحمه برده اند و نواب
 حشمت الدوله نیز در سه روز ایام تعزیه هر روز مجلس تعزیه رفقه و همه اخرج
 تعزیه را از خود داده اند

اخبار دول خارج

تاریخ روزنامه های آخر که از انگلستان بمباشین روزنامه رسید پانزده
 بیست و نهم ربیع الاول بود و از لندن بیست و پنجم ماه مزبور بخاری که
 در آنها بود درین روزنامه موافق تفصیل نوشته و چاپ میشود

در روز چهارشنبه آخر سال نوشته بودند که نواب
 شازده حشمت الدوله مقرّب انخافان وزیر نظام و محکام ولایات
 آذربایجان و سایر سرسبزین و سرسبزگان معتبرین جا کران
 دولت علیه را در باغ ایتیاغی خودشان بهمانی دعوت فرمودند
 و هر کس موافقشان خود در جانی از اطا قمانت شده بعد از صرف
 شیرینی و نهار بدعا کوفی دوام دولت علیه مشغول شدند
 این اوقات حسب حکم نواب شازده حشمت الدوله نواب عالیجاه
 حاکم مرآت و عالیجاه محمد رضا خان حاکم اردبیل و عالیجاه حاجی
 شریف خان حاکم شقایق و عالیجاه محمد حسین خان نسیمی با
 حاکم غوثی و سدا س و عالیجاه قاسم خان جارچی باشی
 حاکم قزاق داغ و عالیجاه محمد حسن خان حاکم مشکین برای
 محاسبه خودشان وارد تبریز شده اند که محاسبه
 خود را در دفتر خانانجام فرودغ سازند

بسیار یکصد و پنچ هزار تومان نخواهد نظام موافق معمول سنه
 بهمه ولایات آذربایجان علی قدر مراتب تقسیم شده و از جا
 نواب شازده حشمت الدوله بصواب دید مقرّب انخافان وزیر نظام

الحکم

انگلیس

در روزنامه هفتگه گذشته نوشته شد که خبر از انگلیس رسید که
 لار و جان ریتل و سایر وزیران که جدا شده بودند معزول
 گردیده بودند و لار و دیربی وزیر اعظم شده بودند مخصوص
 شدن و وزیرای مزبور در روزنامه انگلیس تفصیل نوشته اند و
 سبب استعفا نمودن آنها در مستلوم غیب بعضی مردم خیال می
 کردند چون مستلوم بود که در باب جنگ تسلیم شد و بازخواست و محاکمه
 سخت خواهد بود و وزیرای مزبور خواستند پیش از آنکه این گفتگو و بازخواست
 در آنها بشود خود را بکنار کشیده باشند و بعضی دیگر میگویند که چون خود
 این وزیران نمیدانند که سببهای دیگر معزول خواهند شد خودشان
 استخفا کردند

انگلیس بود که تفصیل آن در روزنامه های سابق نوشته شده است مگر زنا
 بولایت انگلیس می آورد و یک خبرش این است که صاحبان کارخانه
 شهرهای فرانسه از جو شهر لیر و شهر ریز و او شهر از آدم و مستاده
 بولایت انگلیس و بانستاد آن خوب که حال سبب این گفتگو بی کار چند
 زیاد داده و بانوارش و محبت زیاد آنها را از انگلیس بفرانسه برده اند در
 کتی و ولایت نوازین استناد آن از ولایت انگلیس بفرانسه رفته اند و دیگر
 نیز از صنعت کاران از شهر برینگتم و شهر شپتربرون خواهند رفت
 تجار از دول خارجه که از ولایت انگلیس اجناس میخواهند بجهت خرید
 کارخانه ایشان بیامدند و اجناس مزبور را از مملکت بخرند

فرانسه خریدند

در ولایت انگلیس بعضی از جوانان سلسله ما و او جاقهای محبت سبب محافط
 ولایت را و طلب شده اند که خودشان فوج فوج شوند
 مانند فسون دیگر مشورت کنند که اگر بجهت محافظت ولایت لازم باشد
 در وقت ضرورت آماده و متیا باشند از بعضی شهرها که عریضه
 پادشاه نوشته و اذن خواسته اند پادشاه اذن داده است
 بچندین شرط و یکی آنکه اهل هر بلوکی با اطلاع حاکم آن بلوک جمیع شیوه
 دشمن بکشند دیگر اینکه کل اخراجات آنها پای خودشان باشد که
 اینکه دولت هر وقت از آنها ضرورت داشته باشد با اوقاف واجب
 اخراجات بانها بدد و در هر سبب جمیع حکم باشند و موافق قانون
 بجهت فسون و او طلب و ولایت انگلیس معزول بوده و دست راه برود
 با قانون و قواری که بعد ازین دیوان خواهد داد و رفتار نمایند
 در روزنامه که در بیست و ششم رجب الثانی در لندن چاپ شده است
 بحث و گفتگویی که با این صاحبان کارخانه در ولایت

درین کلبا بسیاری از رعابای جزیره ایرلند بیرون رفته و بولایت
 دیگری دنیا مگر بسته اند اما درین روزنامهها نوشته اند که بسیاری از آنها
 مراجعت میکنند و در هر کشتی که از یکی دنیا می آید از اهل ایرلند در آنجا که
 بوطن خود مراجعت کرده اند از اینها بعضی آمده اند که زن و بچه خود را برداشته
 بولایت دیگری دنیا بروند و بسیاری هم در یکی دنیا سخی کشیده و با خود
 شده اند و مراجعت بوطن خود کرده اند چونکه اکثر آنها رعیت اند و غیر از زراعت
 و هلدگی شغلی دیگر ندارند و روز و شب یکی دنیا بعضی اقامتگی می کنند و نقد

فصل جمیع شیوه که از برای آنها کار نیست

لازمه تاریخی که مدتی از جانب پادشاه انگلیس سفیر کبیر مقیم پاریس می
 و آنکه بود از آنجا معزول شده و بولایت انگلیس مراجعت کرده است و لار
 کوئی برادر زاده دوک وینستین بجای او پاریس با امور شده است
 پادشاه انگلیس بنا داشت که در چهاردهم جمادی الاول از نای
 برو و بهار است از بوزن که در جزیره ویت کنار مملکت انگلیس و
 و پازده روزهای توقف در آنجا وارد و بعد از آن ساحت مراجعت میکنند

فراشه

بنیاد آنکه مقصود دیوانه که در شهرهای بریت و رانش فورت و
 و طولان که از شهرهای معتبر فرانسه است نگاه داشته اند بمالک خارج
 ولایت فرانسه هستند خصوصاً بگویند و بعضی جاهای دیگر درین شهرها
 حاکمش هزار نفر مقصود دارند و سه هزار نفر ازین مقصودین خودشان
 خواست کرده اند که در عوض اینکه درین شهرها مجوس اند اخراج
 بشوند و سبب نفر از آنها را در میان کشتی گذاشته و بخارج فرستادند
 و این سبب نفر بنا و سنگتراش و نجار و صنعت کاران دیگر بودند
 و با ولایتها که رسیدند هر یک مشغول کار و صنعت خود خواهند بود

بعد از تسلط شدن لوی ناپلیان در مملکت فرانسه قرار گذاشته اند
 که هر کس که میخواهد روزنامه چاپ کند باید تخوایی در نزد دیوان
 بگذارد که اگر تقصیر بکند یا چیزی چاپ کند که خلاف قاعده دولت
 یا باعث یا غی شدن خلق شود بپهن تخواه او بعنوان جرمیستند
 باشد سابقاً این تخواه بجهت روزنامهها که هر روز چاپ میشوند
 بیست و چهار هزار فرانک بود که دو هزار و چهار صد تومان پول ایران
 باشد حال پنجاه هزار فرانک است که پنجاه هزار تومان پول ایران
 باشد این قرار را بجهت پای تخت و بلوکات اطراف داده اند و در
 سایر ممالک فرانسه در شهرهایی که پنجاه هزار پرس جمعیت دارند
 باید دو هزار و پانصد تومان در نزد دیوانیان بگذارند و از برای
 که در شهرهای کوچک و قصبه چاپ میکنند هزار و پانصد تومان
 میبختند است صاحبان روزنامهها که الان هستند و ماه
 دارند که این تخواه را تا آنکه نمایند سابقاً از روزنامه نویسان
 که روزنامه چاپ میکردند دیوان از هر روزنامه چند شاهی توجیه
 میکردند و هر دولتی میزدند و آن روزنامه را در ممالک فرانسه
 بی اخراجات دیگر بربجا که میخواهند میفرستادند حال قرار گذاشته اند

که آن توجیه که از روزنامهها میگیرند زیاد میکنند و غیر ازین قسم
 اجرت این کاغذ را وقتیکه بسیار بلوکات مملکت فرانسه میفرستند
 بگردان این قرار را گذاشته اند بجهت روزنامههایی که اخبار بریت
 در دو گنهای دیگر تعجب میکنند که سخن گسری باین شدت چه در
 روزنامه نویسان چه کرده اند و بسیاری از روزنامههای فرانسه
 بپهن سبب موقوف خواهد شد چونکه بسیاری از مردمان آنقدر نخواهند
 اندازند که در نزد دیوانیان بگذارند و در آنجا بی منفعت بماند سابقاً در بعضی
 چیزها در مملکت فرانسه قاعده آزادی داشته اند خصوص در باب اخبار

نویسی حال همه در زیر حکم دیوان است

در روزنامه سیریزو بریج که یکی از شهرهای معتبر فرانسه است نوشته اند
 که گمان نیست که قشون فرانسه را زیاد بکنند مگر آنچه سابقاً قرار گذاشته
 بودند که بگیرند و زیر جنک اذن داده است که هر کس در وقت جنگ
 تمام شده باشد مرخص است که در خانه خودش بماند و لازم نیست که
 در رکاب حاضر شود قشون ساحلوی بعضی ولایات فرانسه از جمله
 آلتاس و لورین بمنتظر میمانند که پیش ازین بود بعضی مردم میگفتند که
 دولت فرانسه بای جنگ داشته و لکن ازین بر حله معلوم است که
 امسای این دولت خیال جنگ نداشته اند و پیشان بصلح بود
 درین روزنامه واجب بعضی از ایلیان دولت فرانسه را زیاد کرده اند
 از جمله واجب و اخراجات سفیر کبیر فرانسه را که در لندن بقیمت
 پنجاه هزار تومان زیاد کرده اند و همچنین واجب و اخراجات در آنجا قرار
 مقیم برلین پای تخت پروسیه و وین پای تخت اتریشی و سایر
 زیاد شده است و این مواجها را بجهت این یاد کرده اند که سزای
 اتحاد دول باه و ضاع و جلالی که شایسته ولایتان دولت
 فرانسه است را ببردند و این مراتب را علامت آن میدانند که دولت

فرانس طالب جنگ نیست و معلومست که منظورشان نیست
بدول دیگر صلح و رقابت است
شخصی پیشتر نام را که مباشرتاً مال اوتی فلیپ پادشاه
سابق فرانس بود درین روزها در پاریس پایتخت فرانس
محبوس کرده اند و پیش از این میگویند که این شخص میخواست
بکند که مال لویی فلیپ و اولاد او از دستشان بیرون نرود درین
کافه نام نوشته و کتابچه چاپ کرده بود که ثابت نماید که حق
اموال لویی فلیپ نا حق است

سوئیس

بسیاری از فراریهای فرانسه و استریه که هم سرحد مملکت
سوئیس اند از ولایت خود فرار کرده و پناه بخاک ولایت سوئیس
آورده اند و از آنرا که در آن ولایت قاعده آزادیست هیچکس متعرض
احوال آنها نشده است باز دخل و تصرف در امورات ولایات
خودشان نمیکنند و چونکه بیم گرفتاری بدستهای دول خود
ندارند و بمن استند با کمال جسارت اقیاد و آشوب در آن ولایات
برپا می کنند درین روزها دولتین فرانسه و استریه از دولت
سوئیس خواهش کرده اند که این فراریها را از ولایت خود ش
بیرون بکند و اگر بیرون نکند باید عت مکالمات سخت با این
بشود و آنها که باند کرده اند معلومست که با اذن دولت خودشان
باینجا آمده اند منظور توقف در ولایت سوئیس ندارند و میخواهند
از اینجا عبور کرده بولایت انگلیس بروند که هرگز با بیطوری دیگره با
باید و بخواهند راه بپسند سرحد داران باید سختی میکنند
بدانند که بقدر بیست تومان خرجی دارد که خودش را بولایت انگلیس
برساند بانه و اگر نداشتند باشند قرار این است که هر حد داران
آنها را راه ندهند بعضی از مردمان تند مزاج ولایت سوئیس از این

تکلیف دولتین فرانسه و استریه بسیار خجسته خاطر شده اند
و صلحت داشته بودند که خلق را بجناب بطلبند که سلاح حرب
پوشیده رافع حمله دولتین فرانسه و استریه را بکنند که بناحق
دخل و تصرف با امورات مملکت سوئیس کرده باشند تکلیف دولتین
در روزنامه بهین طور چاپ زده اند اول این بود که هر یک از
فراریها را که دولت فرانسه خواهش کند باید از سوئیس بیرون
و طوری بکنند که روزنامه نویسان سوئیس ضرب دولت
فرانسه را بخیرند چاکران دولت سوئیس فراریهای فرانسه
جمع کردند و از آنها سؤال کردند که آیا میخواهند در آن ولایت
بمانند یا از آنجا بروند آنها که طالب رفتن بودند بولایت دیگر
و تکلیف دولتین فرانسه و استریه را هیچ درین باب قبول نکردند
که فراریها را بزور از آن ولایت بیرون بکشند المپی دولتین
که در مملکت سوئیس ساکن است با آنها گفته بود که صلاح این مملکت
درین بود که آنچه بخواهند تکلیف دولتین استریه و فرانسه را قبول
کرده و مضمی بدارند

احوال استریت

در روزنامه های دولتی که در استریه چاپ میزند خلق را اعلام
کرده اند که اگر کسی راه آهن را که بجهت تردد کالسکه بخار ساخته اند
عمر خراب بکند مورد مواخذه دیوانیان می شود و اگر کسی خراب
بکند که کالسکه از آن خرابی بیفتد و بشکند کسی تلف شود جان
شخص را که این راه را خراب کرده است قصداً واجب القتل است
و امنای دولت او را سیاست میخوانند
در مملکت مجاریستان یک املاک بزرگ که مال یکی از خاندانهای
قطعه قطعه بطور همسراج درین روزها فروخته اند و این املاک
بسیار بزرگ بود و دست میشتاد و دو پارچه کردند چونکه در مملکت

مجار صاحبان املاک از جمله خوانین اند اینطور املاک و زمین که است
در ایران برسد خلاف قاعده سابق ملک مجارستان میداند
اگر بعد از این چنین کاری بکنند قرار نگذاری در آن مملکت طرز دیگر
خواهد شد

در سیزده بلوک کن بود جمعی ایشان کم بود و ملکشان وسیع بود
معمور درین ایام از بسکه این ولایت ترقی کرده معمور و آباد شده است
چنانچه در خلق آنجا را می شمارند در آنوقت بلوکات که معمور بودند
اکثر نزدیکی مجرای آلتیک بودند حال آنکه ملکشان از دریا تا دریا

در شهرهای آن که شهریت در کنار مملکت چین و در دست بود
انگلیس است آتش فشاوه و پانصد خانه با لمره سوخت است
و مکان دارند که کار در زمان بوده باشد که این کار کرده اند که
باین آتش گرفتن شهر که مردم مشغول بخودستند کار سرت خودشان
پیش برند از آراه که در اول آتش چند چاره کوچک ترکیه و
بود که این چاره را دستی انداخته اند که آنجا را آتش نزنند تا
آنجا جادو و خانه های ثنی و غیره داده است بجه مردمی که خانه
سوخت است که پرنجی نکشند و آذوقه غیره نیز با آنها داده است
و بسیاری از اهل چین هم در این آتش تلف شده اند و
صاحب منصب انگلیس که یکی سرهنگ توپخانه و یکی نایب توپخانه بود
در این آتش گرفتن تلف شده اند توپچیان و خدمت سواران انگلیس
که در آنجا بودند بیرون آورده بودند که آتش را خاموش بکنند
خانه بسیار و طاعتند که آتش آنجا های دیگر سرت کنند
بار و طرز و در آنوقت که منظور داشتند آتش گرفتند
زخمه ابر برداشتند و بعد از آن نوشتند آتش نایب در میان
آتش ماند و چنان سوخت که از خت و سنجش اثری نماند و سرت
در ایامی که اهل سیکو دینای شمالی که از اول انگلیس بودند با از اهل
انگلیس بودند که از ولایت خودشان رفته و در آنجا ساکن شده بودند
از دولت انگلیس با غمی شدند و بعد از آنکه خسته شده و دولت
جدگانه شد بیشتر از سرت که در جمعی هستند و این سرت در

میرود یعنی این مجرای آلتیک تا بحسب مجرای معتدل سی و یک
بلوک بسیار بزرگ است و بسیار جاهای آنجا که تا این ایام
نزدیک جنگل بود و هیچ آبادی نداشت حالا شهرهای بزرگ معتبر
شده و رودخانه های که هیچ کشتی در آنها دیده نشده بود حالا
کشتیهای بزرگ در آنها تردد می کنند و هیچ مملکتی از روی
زمین باین رودی اینقدر ترقی حاصل شده است و در هیچ
نوشته اند که خلقی چنین ترقی بکنند و کارشان اینطور پیش رود
و بیشتر از زبرکی و غیرت و کار و روزی اهل آنجا میداند و از آنوقت
که دولت جدگانه شده اند با مجال تجنبا بنهاد و سرت

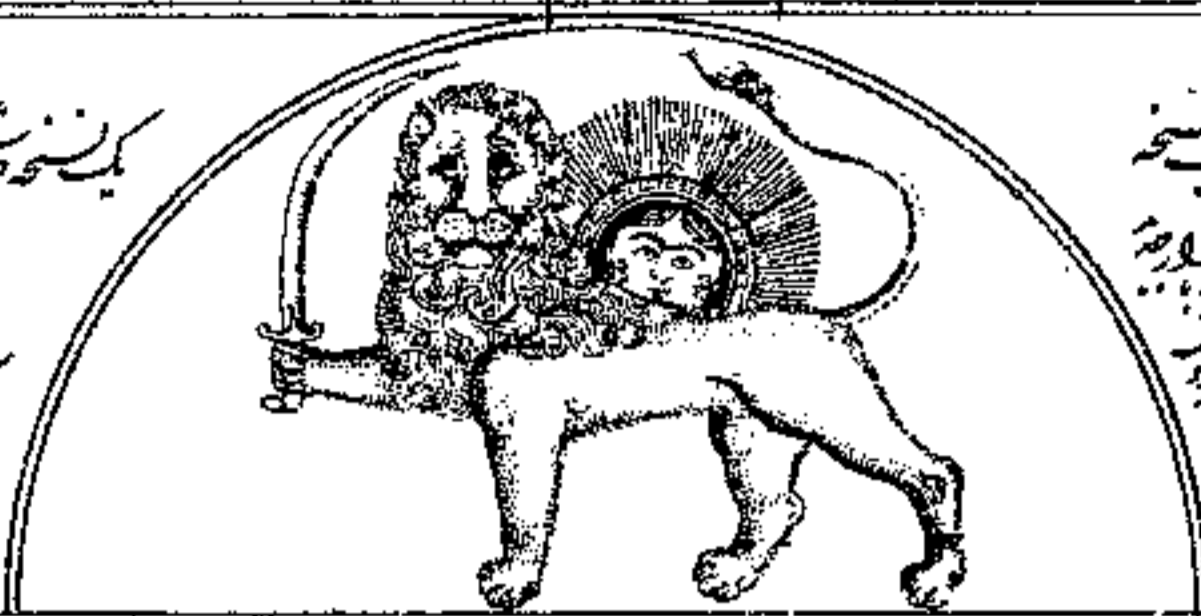
اعلانات

کتابهای چاپی که در کارخانه حاجی عبدالحمید با سبزی در نزدیکی
دروازه دولا ب چاپ شده از ایتقرار فروخته می شود
کتاب شاهنامه چهار تومان و نیم
کتاب سراج التاوه دوازده هزار
کتاب خزانه نظامی نه هزار
کتاب جوهری شش هزار
کتاب سبک ششومان
کتاب مدارک سه تومان
کتاب کسکول هفت هزار
کتاب قاسم دو تومان
کتاب فیضیه پنج هزار

۳۵۸

روزنامه وقایع اتفاقیه بتاریخ یوم خمسه نهم شهر حبه المصطی بون سال استخانتی

نهم شهریور پنجم
هر کس در طهران کتاب بخونه
درین روز نامها با برکت
در کمال سعادت و نفع تو
مردم خوشه میشه



قیمت روزنامه
یک نسخه در هر سال چهار
قیمت اعلانات
یک سطر ناچار سطر یک
بسیار با هر سطر

اجبار احسان مالک محروم پادشاهی

دارالخلافت طهران

اعلیحضرت پادشاهی در روز یکشنبه بجهت و تفریح
پیرون شهر شریف بردند اول بستان آب روانی رفتند
از آنجا بطرف امامزاده حسن که شکار بگذرند درین فضیل در آنجا
خوب میشود و فراوانت شریف برود و بعد از گشت و تفریح
شکار بگذرند در آنجا که بمقامت عظمی مراجعت فرمودند
و هم چنین در روز سه شنبه پیرون در دوازده دولت بیان
انواع قاهره نظام که مشغول شوق میباشد شریف فرما شدند
و بعد از تماشای شوق قشون نظام مراجعت بمقامت عظمی
فرمودند

در جمعه گذشته که اعلیحضرت پادشاهی بقصر قاجار تشریف فرما
شده و سان غلامان ابوالحسنی مقرب انخافان کشیکچی باشی
در حضور جایون داده شد نظر با تمام مقرب انخافان مشارالیه
در انتظام و آراستگی غلامان مزبور که در اسب و ابراق و اسباب
کمال زینت داشتند و در نظر آنس هم چون بسیار سخن
پسندیده افتادند مرحوم ملوکانه در باره او شامل آمده کلچین بسیار
خود را بسبب مزید افتخار و مباحث برسم خلق مقرب انخافان
مشارالیه مرحمت و عنایت فرمودند

چونکه امنای دولت علیه بنا دارند که پستی یکی دنیا را که تفصیل
درین روزنامه بکرات نوشته شده است درین ولایت
قرار بدینجهت حکم کردند که طرح کاشتن پسته مزبور در این روزنامه
نوشته شود نیستی که از برای این سبب خوب است تا بدین
باشد که خاکش سرخ باشد که قوت داشته باشد و معلوم
که هر قدر قوت خاک زمین بیشتر باشد بهتر است و زمین را
باید با کاه آبسپاش کرد و بسیار کود و علفش را بیرون آورد
زمین را خوب پاک کرد بعد از آن طرحی که از برای کاشتن نایل
میکنند باید مرز طبقه که نزدیک به نیم ذرع باشد ثبت و مرزها

جناب حلالیت آید صدر اعظم که چند روزی بسبب قوی
که عارض شده بود لغایت استبداد روز دو شنبه کمال
صحت و سلامت بار آمد و تشریف حضور مسایون شدند
و تا یک ساعتی شب آنجا بودند و مراجعت فرمودند و روز سه شنبه
استراحت در منزل شخصی خود که در دیوانخانه بزرگ معین است آمد
نشستند و کل مردم از نوکر باب و امالی دارالخلافت طهران و تجار
و غیره از آنجستی اظهار تشریف و شادمانی نمودند و در راهها و بانها کرده

۳۵۹

چین کل بریشی قوب چهارده هزار	چین خا قوب شش هزار	خارای کلدار ذوق پنجاه و پنج	سکوندی پنجاه و شش
چین منور قوب پانزده هزار	چین طلا قوب شش هزار	مخل و کلاو ذوق هجده هزار	سکونده قوب شش هزار و سیصد
فک و کلا قوب چهارده هزار	چین بدل شش هزار	مخل سید خا ذوق دوازده هزار	شکر و زعفران شش هزار و سیصد
چین آقا قوب هفت هزار و سیصد	ششمنی قوب نه هزار	قلا و زکلا قوب ذوق دو هزار و سیصد	قلا و زکلا قوب پنجاه
قربانیه قوب چهارده هزار	پارچه کی قوب شش هزار و سیصد	اطلس کلدار ذوق شش هزار	زرد و سیاه پنجاه
آقا باغی قوب چهار هزار و سیصد	شکر کی قوب هجده هزار	سقوط پار	بنای قصبه قوب شش هزار و سیصد
طوران ذوق هفت و سیصد	شکر کلا قوب چهارده هزار	سنگ شکر ذوق هفت هزار	بنات چوچا شش هزار و سیصد
چهارده هزار	چین طرح بنا قوب هفت هزار	آهن قوب هجده هزار	قند بزی هفت هزار و سیصد
آقا باغی قوب شش هزار و سیصد	ایرکان قوب هفت هزار	سنگ و شکر قوب شش هزار	تخت و چنگ شش هزار
صوف قوب شش هزار	ایضا ایرکان قوب سیزده هزار	شکر سیور قوب چهار هزار و سیصد	تخت و چنگ شش هزار و سیصد

اخبار سایر ولایات

آذربایجان در روزنامه گفته که از آذربایجان نوشته بودند که عالیجاه جعفر طحجان سرتیپ که از دربار سلطنتی و با یون مرخص شده بود در مقدم ماه جمادی الاول وارد دار السلطنه تبریز گردیده است

ابریشمی

عالیجناب حاج میرزا محسن قاضی دار السلطنه تبریز که زیارت بیت الله الحرام رفته بود سلامت وارد شهر تبریز شده است
 عالیجاه علی نامق افندی مأمور دولت علیه عثمانیه که از دربار با یون اعلیحضرت پادشاهی مرخص و روانه آذربایجان شده بود از تبریز که در روزنامه آذربایجان نوشته بودند در دار السلطنه تبریز که در مقدم ماه جمادی الاول وارد دار السلطنه تبریز گردیده است
 در آذربایجان شتابان هر چه شده است دولت صاحب اختیار ملکیت آذربایجان تعهدات لازم در باره او مبذول فرموده اند و آنرا روانه آذربایجان کرده است

شال کلا طاق دوازده هزار	مقالا قوب سیزده هزار
شال اولان رنگ طاق چهار هزار	تاشور قوب چهارده هزار
شال رنگه شال کلا طاق شش هزار	چین خاص قوب نه هزار
دستمال آبی مدد سیدیه	چین بند قوب هفت هزار و سیصد
دستمال رنگ مدد شش هزار	تزیین سفید قوب هفت هزار و سیصد
دستمال قیس دست چهار هزار و سیصد	آقا و زعفران ذوق چهار هزار و سیصد
مخل برسیانی قوب ذوق چهار هزار	آقا و زعفران ذوق چهار هزار
چین پنج قوب نه هزار	قنادیز قوب ذوق شش هزار
شاپنده قوب شش هزار و سیصد	قنادیز درمی ذوق پنجاه و پنج
آقا باغی قوب هفت هزار	پنجک زکلا ذوق شش هزار
چون از سفید قوب شش هزار	خارای سایه ذوق پنجاه و پنج
چین چوب قوب یک هزار	اهل زدی ذوق هجده هزار
چین کوهی قوب یک هزار	رزی طاس ذوق بیست و پنج
چین بدل کلدار قوب هفت هزار و سیصد	سینه ذوق بیست و پنج

۳۶۱

کرمان

از قرار یک در روزنامه کرمان نوشته اند نواب احمد میرزا از نواب
نواب مستطاب شاهزاده مؤیدالدوله و اسکندر کرمان برنج
بلوچستان نامور بود این اوقات بحسن اقبال و کوشش شخصی
مزید جلالت و استقامت اشخاص مفصله قلعه سن قلعه سبز

علاء جعفر عقیق بنک کریم خان سلطان برادر عالی محمد قمر خان بر
سربازان خداندلو جعفر خان عبدالعزیز

محمد قمر خان که از سید علی و شاه شاد خان ریسر عیدین و سرکرده
سرکرده کن نوکران و سالار محمدخان بوج

بلوچستان را گرفته و ساکنین آنجا را دستگیر ساخته اند و تفصیل آن
این فرات است که بعد از آنکه نواب احمد میرزا امیر اولیا خان
ولیم احمد خان لاشاریرا که در سال گذشته از جاده مشهد
پرون رفته بودند با تلفات اولیای دولت علیه امید و اساحتی بود

انها نیز لغت و تقبل خدمت کرده نزد نواب حسرتی الیه آمده بود
نواب حسرتی شده بودند نواب حسرتی الیه نظر بحسرت و هرزگی که از امیر
در خان در قلعه سرباز سرزده بود عزیمت قبیله و تادیب او نموده

با همسران خود از پسر بست سرباز و مجال با بچه آن فرستاده بود
بعد از ورود یک فرسخی مسکن امیر دل مراد ریش سفید آنجا که با طینا
امیر ذراخان موافق بود ظاهر در مقام اظهار ارادت و ایجاد برآمد و استقبال
نواب احمد میرزا آمده بود نواب حسرتی الیه نیز برای اینکه خدمت و جانت
انها درست ظاهر و آشکار شود عالیجا که کرمخان سلطان برادر جعفر قلینخان

سرنیک ابابیند لغز سرباز قلعه سرباز فرستاده بود که گذارند او کسی
خلاف قاعده دلی حسابتی بر عیای آنجا واقع شود ولی امیر دل مقتضای
خاست باطنی در مقام حسرت و هرزگی برآمده از میان قلعه بنای قنک انداز
گذاشته بود نواب احمد میرزا بعد از مشاهده این نوع حسرت عالیجا که کرمخان

فرستاده باید عالیجا محمد تقی خان بی داخل و روانه کرده برنج
ارک از تصرف آنها انزع و امیر دل مراد را با بیست نفر دیگر دستگیر کرد
و قلعه بنا به اساطفا کرده بودند و باقی اهل قلعه فرار اختیار کرده
بودند بعد از فرار از قلعه لشکر نواب احمد میرزا عیان عزیمت بجانب قلعه
معطوف ساختند و بعد رسیدن با آنجا تا سه روز متعرض اهل قلعه آنجا نشسته
گشتند از که در احوالشان نادم و پشیمان شوند اول صبح روز چهارم چون

هرزگی و حسرت امیر ذراخان بجز فراط رسید بود نواب حسرتی الیه
سربازان خداندلو نوکر بی و زما شیری وستانی و سالی و پامری

و ندادی و بلوچ را حکم بویس و پوچیان را با نذحق توپ حکم دادند
قلعه مزبوره در بالای کوه واقع و شش بر یک ارک و دو قلعه و برج و حصار
بعایت مرتفع بوده است سربازان مزبور آنجا ایامین بکسان در آن

حوزه ای پای قلعه رسانده بودند ساکنین قلعه بعد از مشاهده این نوع جهاد
و انبوه دست بتفنگ اندازی گذاشته بودند چون پشت دروازه قلعه را
لشکر و کل اینها شسته بودند سربازان با استقامت پیر و کلک دروازه را

گشوده خود را بدروازه دویم رسانده بودند چون دروازه سیم را نیز
و کلنج مسدود کرده بودند فی الجمله امیر سرباز و شوارشده بودند ساکنین قلعه بنای
تشنه فشان بی سربازان کرده بودند ولی سربازان از آتش حدی کرده و بعلیه
قلعه ابابکلیه تصرف کرده اند و امیر ذراخان بعد از مشاهده این حالت

ارک را آتش زده با یک نفر از دیوار زیر افتاده فرار کرده است نواب
بعد از گرفتن قلعه مزبوره آدم متعاقب او فرستاده اند که او را با کسان
دستگیر کرده بیاورند

اخبار دول خارجه

تا بیخ روزنامه ای اخبار دول خارجه که درین هفت میباشند
روزنامه رسیده است در باب هر یک از ولایات دول خارجه
نوشته میشود و غیر از اینها که نوشته میشود چیزی دیگر که از روزنامه رسیده

انگلیس

در این روزها روزنامه‌های کزیت که از این ولایت رسیدند تا تاریخ
 بیست و هفتم جمادی الاول بود در شورتخانه گفتگونی بخصوص
 قشون ملیتیه که بجهت ساختن ولایت شده بود و بنا دارند
 که ازین قسم قشون زیاد بگیرند و بعضی میگویند که تا صد و
 هزار خواهند گرفت که بجهت ساختن ولایات انگلیس آماده باشند
 شخصی در ولایت انگلیس تفنگی شش خان بطرح تازه اختراع
 کرده است که بجای چهار سیلی بقد سوزن قرار داده است
 که از نه لوله تفنگش میروند و بروی آن سوزن کی اجزای چاه
 میگذرانند که بار و طرالتش میزند و کلوز این تفنگ از هزار
 متجاوز میروند ازین تفنگها بعضی از افواج انگلیس داده اند حکم
 کرده اند که بیست هزار ازین تفنگها در شهر تبریز بمانند و در
 فرانسه و آستریه و پروسیه نیز ازین تفنگها بقشون خود
 داده اند و در نیت که در سایر دول هم این تفنگ
 بجهت مهربانست اول بشود گذشته از آنکه میدان کلوز اش
 دور دست را نشان خوب میزند حسن دیگر نیز دارد که بسیار
 سبک است و خوب است بجهت نظام انگلیس که درین اوقات
 انسانی آن دولت تدبیر وسیعی می کنند که از تفنگ و غیره هر
 ممکن باشد با سرباز انگلیس اسبگیر بکنند زیرا که سرباز
 انگلیس با لاپوش و یک دست رخت و غیره را در میان خیزی با
 کوله بار گذاشته پشت خود می بندند و وزن آن با وزن تفنگ
 و اسباب بیشتر از شش من بوزن شش عباسی می شود از آنجهت
 این تفنگها را که سبک کرده اند سبکی با سرباز بسیار
 تفاوت میکند

فرانس

در روزنامه دولتی فرانسه که بتاریخ بیست و یکم جمادی الاول
 نوشته شده است نوشته اند که حکم از جانب لژی ملیان
 حکمران این دولت شده است که شورتخانه و کلای رعایا در
 خواتین و هفتم جمادی الثانی در پای تخت تصعب بشوند و در کل
 بلوکات فرانسه مشغول معین کردن و کلای رعایا بودند که بپای
 تخت بروند و در آنجا مشغول راه بردن امور دولتی باشند
 ایام سابق که وکلای رعایا را در بلوکات فرانسه معین میکردند
 باعث افتخار و بر سر خود کی در میان جنونی شده اما این
 اوقات این امر با کمال امنیت و نظم پیش رفت است
 کانت و لویس که ایلمی از جانب دولت فرانسه معین شدند
 درین روزهای خبر و با کمال تعجب از شهر لندن بیرون فرستاده
 و پهای تخت فرانسه مراجعت کرده و یک نایب از جانب
 و لندن گذاشته بود مردم مکان میکردند که رفتن ایلمی بسیار
 گفتگو و مخالفت مابین دولتمن خواهد بود و بسیار خیالات
 مختلف کرده بودند بعد معلوم شد که در میان دولتمن
 و انگلیس حرف مخالفت و بحث و گفتگونی نیست و قشون
 هیچ دخلی با میرات دولتی ندارد
 استریه
 از شهر و نیز بتاریخ نهم جمادی الاول نوشته بودند که اعلیحضرت
 امپراطور آستریه با سجا آمده بود و اهل آن شهر با دمانی نصف
 آوردن امپراطور شهر را چراغان کرده بودند و در آن مدت
 که آنجا مانده بود لباس نظام صاحبان قشون را پوشیده
 و تنهادر میان شهر گردش میکرد و یک روز هم بمیدان

۳۶۳

پادشاهی قشون رفته بود و لکر آن دو ک قسطنطنیه پسر حضرت
 امیر اطوره و سب نیرس راه بود و در شل رود کنگه و چند نفر
 از رز آل های مشهور استیتریه بودند و از وزیر بشهر و روزه
 رفته و از آنجا بشهر و نیز مراجعت نموده بود و میخواست یکشتی
 شسته بشهر طریقت برود درین بین طوفان چنان شدت
 کرد که بدریار فتن تشویش کلی داشت و صاحب منصبان
 قشون بحری بجهت شدت طوفان صلاح نمیدانستند که امیر
 در کشتی بنشینند اما امیر اطوره حکم کرد که کشتی بر اهلیت اول
 از ضرب امواج راه رفتن کشتی بسیار مشکل بود پنج کشتی نجار
 مسراه امیر اطوره بود و تکیه شب کشتیها قدری از یکدیگر
 متفرق شدند و یکی از آن کشتیها غرق شد منظور امیر اطوره این
 بود که بشهر طریقت برود و لکن باد چنان شدت داشت که
 بشهر طریقت نتوانستند بیرون بیایند امیر اطوره بجای دیگر
 نجاری سلامت پروان آمد و از راه خشکی داخل شهر طریقت
 شد و آن شب که امیر اطوره داخل شهر طریقت شد شهر
 چراغان کرده بودند از آن کشتی که شب از کشتیهای دیگر
 متفرق شده بودند و در افتاده و غرق شده بود چیزی
 پیدا نشد مگر چند تنه و نقش چند نفر از کشتیبانان که سوار
 کشتی مزبور بودند این کشتی تازه بود و بسیار کشتی خوب
 و ششصد هزار فلارن که تخمینا صد و بیست هزار تومان پول
 ایران باشد در ساختن این کشتی خرج شده بود صد و پنجاه
 نفر صاحب منصبان قشون بحری درین کشتی بودند و هفت
 نفر ستیاج و سربازان این کشتی یکی از بهترین صاحب منسبان
 قشون بحری مملکت استیتریه بود

۳۶۶

پرونده

از شهر برلین پای تخت آن مملکت نوشته بودند که در آنجا
 آمدن حضرت عالی امیر اطوره پس روزه علیحضرت امیر اطوره
 بودند و می گفتند که تجاریج نهم جمادی الاول با آنجا خواهد آمد
 و مذکور بود که خود اعلیحضرت امیر اطوره روس نیز در ماه رمضان
 یا اوایل ماه شوال با آنجا تشریف خواهند آورد

عشما نیست

در روزنامه های سابق که از اسلامبول آمد نوشته بودند
 که مصطفی رشید پاشا از صدرت عظمی معزول شده و
 رؤف پاشا بجای او صدر اعظم شده بود در روزنامه بحریه
 اسلامبول که درین روزها بمباشترین روزنامه رسید
 نوشته اند که منصب جلیل صدرت عظمی بعد مصطفی رشید
 دوباره محمول شد و درین باب دستخط های یون سلطانی
 که نوشته بودند در پانزدهم جمادی الاول در باب عالی
 با منسبای دولت عثمانیه خوانند و در همان روزنامه بحریه
 نوشته اند که رؤف پاشا باز داخل وزرای مشورتخانه
 عالی شد و در روزنامه استقلال که بزبان فرانسه چاپ میزند
 نوشته اند که چون اعلیحضرت سلطان از خدات سابق و خدات
 این ایام رؤف پاشا بسیار راضی بودند او را داخل وزرای
 مجلس مشورتخانه عالی کردند که در مرتبه منصب اول مصطفی
 صدر اعظم است و بعد از آن شیخ الاسلام و بعد از آن
 رؤف پاشا و روزی که دستخط های یون سلطان مجدداً
 در باب صدرت مصطفی رشید پاشا رسید با اتفاق رؤف
 بدر خان سلطانی که باب عالی مشورت است فرستاد و فرمود
 افندی که حامل دستخط سلطان بود مسراه ایشان بود

و در حضور کل وزراء امینای دولت دستخط هایون سلطان
خواندند و در جریده اسخوابت نوشته اند که مصطفی پاشا
سابق جزیره کریتت بنیر مجلس عالی کردید

بتاریخ بیت و هفتم جمادی الاول در روزنامه اسلامبول
نوشته اند که فواد افندی مستشار وزیر اعظم بقایر پاشا
تحت مملکت مصر حسب حکم روانه شده بود و درین روز
همراه پسر بزرگش ناظم بیک با آنجا خواهد رسید و چونکه
فواد افندی بفرست و کیاست و ذهن و دقاوت مشهور است
امید کفلی دارند که رفتن مشارک الیه با آنجا خوب

در روزنامه اسلامبول که بخط فرانسه چاپ میزند نوشته
باینطور که جناب جلالت آقا موسی طیفان ایلیچی مخصوص
وزیر مختار دولت بیده روس مقیم اسلامبول روانه مملکت
ایطالیان شده است و موسی اضر و ف که سابقا نایب
جناب جلالت آقا وزیر مختار روس مقیم در اصلاحه طرابلس
بود و مدت است که در اسلامبول نایب ایلیچی مزبور است در قیام
او در اسلامبول منصب مصلحت گذاری میماند

احوال است مفرقه

در قورخانه و بیخ نزدیک شهر لندن اتفاق غریبی افتاده است
چهار توپ پنجاه و شش پوند که تازه ریخته بوده اند بیرون
برده اند که امتحان بکنند و بقاعده امتحان توپها پر کرده بودند
فتیله بروی طرّف گذاشته و آتش زده بوده اند که تا وقتی که
آتش بطرّف برسد و توپ خالی بشود آنها که توپ را آتش داده
پانصد شصت قدم دور رفته باشند یکی از توپها که اول خالی
شد ترکیب و پارچهایش توپ دیگر خورد و بطوریکه درین توپ
که رو بجا گریز بود نسبت شهر بکشت و فتیله در وقت کلودا

بر روی خانه رفت و بچند دو کس سخاری بالای با حوسا
خورده و خراب کرد کسی عیب نکرد و ضرری کسی نرسید مگر اینکه
از آجر دو و کشته پنجه زیاد شکسته شد

بتاریخ بیت هشتم جمادی الاول در شکناش اسلامبول
آتش سنجانه های یکی از اهل یونان افتاد و در اندک مدت سنجانه
سراست کرد و دو خانه دیگر آتش گرفت و چونکه کوههای آنجا
سپار سنگ است آتش زود سراست سنجانه های آن اطراف کرد
و در چهار ساعت صد و پنجاه خانه آتش گرفتند و خراب کرد
و بزرقون سحری و وزیر جنگ و وزیر تجارت بسیاری از
امینای دولت و نظام آتش خاموش کن با آنجا حسیع کردند
که شاید این آتش را خاموش کنند اول کسیکه با آنجا رسید
اسمعیل پاشا رئیس مدرسه اطباء بود و طولی نماند که اندان
خودش را با آنجا آورد و ابتدای آتش گرفتن دو ساعت از
نصف شب گذشته بود و تا طلوع آفتاب آتش را خاموش
کرده بودند و در سه روز آتش بجمله دیگر اسلامبول افتاد و
بوز ابتدای این آتش دویم در خانه بود که غیر از یک نفر پیرزن
کسی در میانش نبود و این پیرزن بسیار صاحب خیر بود
اما از بسکه خمیس بود خدمتکار داشت خانه اش سوخت و
خودش نیز در میان آتش ملاک شد نظام آتش خاموش کن
و دو جمع شدند و نگذاشتند که آتش زیاد سراست کنند
و دو خانه دیگر با آن خانه سوخته شد

در باب اسبها که بجهت دولت فرانسه در نظام انصار
بود در روزنامه های سابق نوشته بودند که امینای دولت فرانسه
قرار گذاشته بودند که از ایلیچی های خود فرانسه جا بجا نمایند
درین روزنامه ها نوشته که دولت مزبور از برای اسبهای

بجه نظام خود لازم دارند آدم بولایت انگلیس فرستاده اند و
است انتخاب کرده اند یک قسم اسب هر کدام سه هزار و
که تخمیناً شصت تومان پول ایران باشد و یک قسم دیگر
و شصت فروش که متناوبشش تومان باشد و یک قسم
بچهار هزار فروش که شصت تومان باشد

دولت انگلیس بجه بیع تجارت و خرید و فروش غلام و کسب
دینت که کشتیهای جنگی بدیای متفرقیه مغرب زمین
از آنجا یک کشتی جنگی انگلیس درین اوقات در دست غربی مملکت
از قیقا که دشمن سیکرده است در نزدیکی غلج کتیه در صاری که
لاوتس میماند معلوم میبود که غلام و کسب بسیار در آنجا بجه
جمع کرده اند کشتی بزرگ جنگی دولت انگلیس بجه استخوان
سباههای مزبور با بخار فته است اهل لاوس چون توپ
تفنگ و آلات حرب از دولت پرکنیز و برازل گرفته بوده اند با
کشتی مزبور جنگ سخت کرده اند و چهل نفر از اهل کشتی که کشته شده
قشون کشتی نخشتم در آید و از بی غیرت شینیک سینگین سخت
بهار لاوتس نموده و بسیاری از امانی آنجا و سباهها که در آنجا
بوده اند هلاک و زخدار گردیده اند و حصار مزبور را اهل کشتی بغیر
و غلبه گرفته اند و شیخ قبایل آنجا را معزول و بیرون نموده اند و
دیگر از جانب دولت انگلیس با آنجا متین کرده اند

در باب سربارهای فرانسه و مجار در روزنامه سابق نوشته بودند که
اینها در لندن جمع شده و قرار شده است که از آنجا پیشکی و نیا بروند
و اخراجات آنها معلوم نیست از کجا داده می شود بعضی مردم گمان
کرده اند که انگلیس و فرانسه خواهند داد در روزنامه ای که درین
هفته رسید نوشته اند که دولت انگلیس با آنها اخراجات داد
در روزنامه پیشکی و نیا کرده اند

در باب کشتیهای انگلیس که در مجارستان بودند دولت
استریه آنها را از آنجا بیرون کرده بودند و در روزنامه گذشته
نوشته شد درین روزنامهها که این هفته رسیده است
نوشته اند که در مشورتنخانه انگلیس درین باب گفتگویی شده
که کشتیهای مزبور در مان ممتد نبوده اند که در امورات آن
افسادی از آنها مشهور بشود و بجه امور دین بجاری و کسب دولت
نگرده اند و داخل کسانی که مکاتبات از آنولایت بخارج می
نشده و چیزی نوشته اند و اگر هم بدولت خودشان
در باب امورات خود چیزی نوشته باشند مستلزم
که دولت استریه آنها را از آنولایت بیرون کند
و درین باب امنای دولت انگلیس از امنای دولت
استریه کلمه نگرفته اند

افسادی از آنها مشهور بشود و بجه امور دین بجاری و کسب دولت
نگرده اند و داخل کسانی که مکاتبات از آنولایت بخارج می
نشده و چیزی نوشته اند و اگر هم بدولت خودشان
در باب امورات خود چیزی نوشته باشند مستلزم
که دولت استریه آنها را از آنولایت بیرون کند
و درین باب امنای دولت انگلیس از امنای دولت
استریه کلمه نگرفته اند

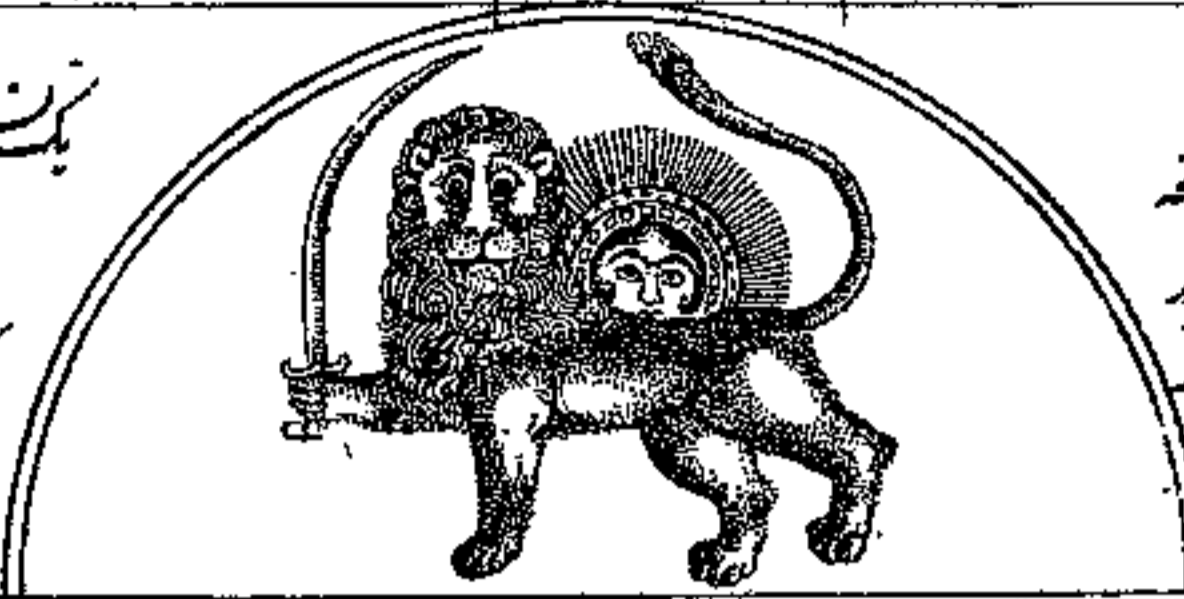
اعلانات

کتابهای چاپی که در طهران در کارخانه حاجی عبدالحمید چاپ
در محله نزدیک دروازه دولا ب زده شد است از اینقرارد
میشود

۱۰۰۷	کتاب انوار	مشهور
۱۰۰۸	کتاب استان	یک تومان
۱۰۰۹	کتاب زینت المجالس	مشهور
۱۰۱۰	کتاب حقیقه القلوب	جلد دوم و دو تومان
۱۰۱۱	کتاب حق یقین	مشهور
۱۰۱۲	کتاب کلیات	مشهور
۱۰۱۳	کتاب تفسیر نامه	پنج هزار
۱۰۱۴	کتاب تاملات	دو تومان
۱۰۱۵	کتاب کسکول	هفت هزار

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه روز ششم شعبان الحظیب بن سیال سیحان

قیمت روزنامه
یک نسخه در هر ماه
قیمت اعلانات
یک خط در هر خط
بیشتر به هر خط



نزد ششم
هر سر و طردن
درین روز نامه
بازر جدید در کان
بدر و شرف و خیر

اخبار و اجازت مالک محروسه پادشاهی

درین روز ما اعلیحضرت امیر اطور روسان سنت
از مرتبه دویم دوره الیاس برپایان تراشش با ایجاب
مقرب سخاقان حکیم گلکو که حکیم باشی التفات فرموده
چون این اوقات از اشخاص مختصه که از جانب نواب
مویده الدوله حکمران کرمان با مؤنظب ام مهم بلوچستان
بوده اند در شجر و تصرف قلعه تنگن و قلعه سر بار بلوچستان
استام و رشادت و جلالت بطور رسیده بود لکن
در باره هر یک از آنها از تفراتشان و خلعت از جانب
نواب احمد سیرا حبت زره یک ثوب
عالیچاه جعفر قلجیان بنک نشان دویم بنک یک قطعه
کاظم سلطان نشان یک قطعه
عبدالدیک یاور نشان اول باوری یک قطعه
عالیچاه محمد تقی خان بی قبای پولک یک ثوب
عالیچاه محمد تقی خان سر کرده سواره کربا قبای پولک یک ثوب
چایان سید خان و پسران و لاریچان قبای پولک سه ثوب
سینی انجوان اعلیحضرت پادشاهی حمت و عنایت کرده

دار الخلافه طهران
در روز دوشنبه سیزدهم اعلیحضرت پادشاهی
کشت و تفریح سوار شده به بیرون شهر دار الخلافه
تشریف فرما شدند اول بانات و عمارات سلطانی بیرون
در وازه را تفریح و کشت فرمودند و از آنجا بقصر قاجار که در
این فصل بجا رصفا و خرمی تمام دارد تشریف بردند و از آنجا
بسیار و آن تشریف فرما شده عمارت جدیدی و آن را
ملاحظه فرمودند و از آنجا بجهارک تشریف برده در آنجا
خوردند و بعد از آن بزیارت امامزاده قاسم رفتند و
از آنجا بدربند تفریح فرمودند و وقتیکه مراجعت به
فرمودند بعد از غروب آفتاب بود
این اوقات اعلیحضرت شاهنشاهی بلا حظ مزید استمانی که
نابحال از عالیچاه تفریح فرمودند و در آنجا مستوفی در آنجا
دیوانی بطور رسیده بود عالیچاه مشارالیه و اعلیحضرت
مقرب و سرافراز فرمودند و فرمان مبارک در باب لغب
مقرب سخاقان مشارالیه از دربار جها عذارایون تجرید
مفاخرت و بیانات مشرف صد یافت

امورات قشونی

درین روزها علیحضرت پادشاهی در باب سواره
 جدید نظام که در دولت علییه ایران گرفته میشود
 تأییدات و فرمایشات اکسیده فرموده اند مخصوص
 درین اوقات یکصد نفر سواره افشار ابو اجمعی
 مقرب الحاکمان سلیمان خان افشار را داخل سواره نظام
 فرمودند و چند روزیست که مشغول مشق میباشند
 و معتبر فرموده اند که بقاعده سواره نظام سوار
 و اسباب حرب بآنها داده شود و هر روز در

خارج دروازه دولت مشق نمایند

نصد سوار که بجهت خراسان مقرر شده بود
 از ششصد نفر شاهسون افشار و سید نفر سواره
 ایلات قزوین سواره ایلات قزوین در روز دو
 سیزدهم اینها در اطاق نظام باستخار مقرب الحاکمان
 ایچوان باشی و لشکریان عظام حسب الامر و وجه
 نصد واجب ششصد نفر سواره شاهسون افشار را در
 اطاق نظام داده و این روزها خراسان روانه
 خواهند شد

منج و ماوند که بجهت ماموریت اصفهان احضار برکات
 حضرت انان سبایون شده بودند این اوقات
 حاصله در اختلاف مبارکه طبرستان شده و حاج
 دروازه دولت توقف کرده اند که درین روزها
 داده و حسب الامر سبایون موجب گرفته مرخص
 و دروازه اصفهان شوند

و دروازه اصفهان شوند

تجدید ازین توجه در حضرت علیحضرت پادشاهی حسن تربیت
 اولیای دولت درین دولت جاوید قرار حاکمان
 و از باب صنایع بسیارند و هر یک علی قدر آقا و در کمال
 صنعت اکتسابی خود نوع مهارت و بصیرتی حاصل کرده
 و هر کس اظهار کمال و صنعتی در دربار سبایون میکند مورد
 تواضع و محبتی میشود از آنجمله این روزها عالیجاه میرزا حسن
 آشتیانی مشی دیوان سبایون که در صنعت خط از نویسندگان
 ممتاز است در یک ورق کاغذ خانباق که یکدفعه و یکبار یک
 طول و سه چار یک عرض داشته بدون اینکه در
 کاغذ نیز بزرگتر است کی بهم رسیده باشد مدح اعلا حضرت
 آقا سر میون پادشاهی را صاف و ساده و
 قطعه مشق بر یکدست بطور طبعی و قلم و آنکه
 نوشته بود که سطور او اسطر آن هر طبری قریب یکدفع
 و یک چار یک شده بود و جمیع خوش نویسان
 و صاحبان خط و نویسندگان و اهل خیرت را که
 از خط او از نگارش چنین صنفی بزرگ و اسلوبی
 باین مرغوبی و طبعی بر حیرت افروخته و نوشته فرمود
 از نظر آقا حسن سبایون و ملاحظه انانای دولت علیه
 گذشت عالیجاه مشارالیه مورد تشریف و محبت
 بسیار از جانب سنی ایچوان حضرت آقا حسن سبایون
 شاهنشاهی و جناب جلالت آقا صدر اعظم گردید
 و مقرر شد که همیشه خطوط خوب از نظر او بگذرانند
 و حضور سبایون شرفیاب شده مورد رعایت
 و التفات خستروانی کرده

تاریخ

هزار دیکصد نفر توپچیان طوائف آذربایجان که
الی پانزدهم شهر حیدرآباد را بخلاف مبارکه
طهران شده بودند پنج طالبه آنها حاضر شدند
باقی نیز درین چند روزه حاضر شدند که بمردان
سپردت کرده در روانه شوند که توپچیان استان
سپردت مرقض بشوند

اعلیحضرت پادشاهی تشریف فرموده اند که کار روزی
که در قورخانه حبیبه خانیم مبارکه دار انخلاق طهران
میباشد یک نفر نایب مقررت الخاقان اجودان باشی
صورت آن کار را هر روز گرفته و بعضی خصوصاً
پسند و سباشین قورخانه حبیبه خانیم نیز در کار
خودشان و سایر اسباب و آلات حرب کمال
سعی و اهتمام را دارند

سایر ولایات
خراسان از تترار یک در روزنامه خراسان
نوشته بودند که نیکدل خان سردار قندار بعد از
فوت ظهیرالدوله بحیال تصرف بهرات افتاده با
جمیعت و قشون سوار و پیاده و توپخانه تا پل مالان
دور شهر بهرات آمد سعید محمد خان سپه ظهیرالدوله نیز
قشونی از افغان هزاره و سمرانی و سایر عشایر
و ایلات بهرات فرستاده جنگی عظیم کردند و کندی
سازم شده بفرار و اسفزار رفت و از اسخا آدم فرستاده
که از کابل وقتندار کوکب و جمیعت آمده محبت و انبصر
براست حاجت نماید

در چمن قندهار که در دسته فرسخی شهر مشهد مقدس واقع است

نوشته بودند که شش قطعه مرغ بهیم رسیده است که هر کس
از کوسفندی بزرگتر بوده است پنج قطعه آنها را بگلوله
تفنگ زده و کشته اند و یکی از آنها که کوچکتر از همه
آنها بوده است بشهر آورده اند و برای آنرا کنگنه بخت
غزایت در صحن مقدس گذاشته اند و همان کبیر مرغ
حجب وزن پنج موش من گوشت داشته است

از فراری که نوشته بودند در یازدهم شهر جمادی الثانی
شخصی از ذوق خراسان ناخوش شده و شرفینت
کر دیده است که آن او از مشاهده حالت اختصارش بیجا
گریه و زاری گذاشته اند مادرش از روی کمال اعتقاد با عجا
جناب امام مسام علی ابن موسی الرضا علیه السلام مشغول آن
بزرگوار شده و گفته است که من از پدر آن خود بخاطر دارم که اگر

کسی در مرض موت باشد و قفل در بصریح مقدس را در حمام
آبی شسته آن آب را با آن مریض بخشد شفا خواهد یافت
آن آن شخص همین عمل را کرده و چند قطره از آن
آب بگلولی او ریخته اند از آنجا که آن بزرگوار حسن
عقیده ضعیف نبوده حالت اختصار آن شخص بعضی
بصحت مبدل شده و از جای خود حرکت کرده و گفته
که بعد از خوردن آب من بزرگوار جناب امام رضا علیه
علی ابائه آلاف التحیت و الثنار برای العسین شده
کردم و از توجه آن حضرت مرض من بصحت مبدل گردید
آثار صحت و قدرت بر حرکت بر من ظاهر شد که آن
او از طور این معجزه و صحت یافتن مریض خود تقدیم بشکر کرده
و در ذوق نیاز نموده اند

۳۶۹

کرمان

از قسری که در ضمن نوشتجات کرمان نوشته شده بود
 نواب احمد میرزا بعد از گرفتن قلعه سرد با آردم متعاقب امیر
 فرستاده بود معلوم گردیده است که همان وقت که بشارة
 خود را از حصار قلعه سرد باز برانداخت است بخود
 افتاد و وفات کرده است
 از قسری که نوشته بود در این اوقات نواب شاهزاده ^{میرزا}
 طحاسب میرزا حکمران کرمان از نظم و انضباط حدود
 کرسیات اطمینان و فراغت حاصل کرده روزیت و دوام
 ماه جنادی الثانی وارد شهر کرمان شده اند و اعیان
 و اشرف ولایت در استقبال و اعزاز نواب معز می آید
 و مبارکباد روز و روزگاران تمام را بجهل آورده اند
 و بعد از آنکه فرودست خیر و تصرف قلعه سنگین و سردار
 خدمت نواب معز می آید آورده اند حکم بشینیک شاد
 نموده و یک شب شهر را چراغان کرده اند

مازندران

این اوقات از اتهامات امنای دولت علیه و حسن
 مراقبت و سعی نواب شاهزاده مصطفی علی میرزا حاکم
 مازندران شکر انجمن بطوری خوب سفید کرده اند که شکر
 شکر لا هور است همیشه از آن شکر بکار خانیه باد که
 می آید و از بسکه حبلی خوب سفید کرده اند بکشت
 که بولایات بعیده نیز برای فروش بزند
 از قسری که در روزنامه مازندران نوشته بود تا الملی انجمن
 سبب قلت بارندگی اضطراب و تشویش داشته اند
 و لکن این روزها از تفصل خداوندی بارندگی زیاد شده است

۳۷۰

۴

د تشویشی که مردم ازین رکذ رو داشته اند رفع گردیده
 و غلات آنجا از قبیل کسدم وجود با قلا خوب بعل
 آمده است

خراسان ایضا

از قسری که در روزنامه دیگر که از خراسان رسیده است
 نوشته بود که عالیجاه علی خان حاکم جوین و قسری از
 شکار چپیان آنجا بشکار فرستاده بوده است درین راه
 یک نفر خارکش نیز با شکار چپسای مزبور رسیده
 و با اتفاق رفت اند آن شخص خارکش بالای ملت
 رفته است که مشغول خارکشی بشود ناگاه دیده است که نفر
 سوار ترکمان در پیش و دو سوار دیگر در عقب کسیر و چند نفر
 شتری آورند شکار چپیان درستی بوده اند و ترکمانها را
 نمیدیدند خارکش از بند می آنها را صد کرده و
 خبردار نموده است شکار چپیان بجنس استماع پای جلا
 پیش که شده آن دو نفر سوار ترکمان را که اسیر و شتر
 می آورده اند تپیر زده یکی را مقتول و دیگر را دستگیر کرده
 و آن سه نفر سوار ترکمان که در حبس بوده اند بجنس شاد
 این حالت فرار برقرار اختیار کرده نهریت نموده اند و
 شکار چپیان اسیر و شترها را با اسب و اسباب آن
 و نفر ترکمان که زود بوده اند نیز عالیجاه علیخان آورده
 مشارالیه اسیر را مخص کرده و شترها را هم سپرد است
 که بصاحبان شان برسانند و اسب و اسبابی هم
 که از ترکمانها بپست شکار چپیان مزبور فرستاده بوده است
 بخود همان شکار چپیان بخشیده است و مورد تحسین جوین
 سرت و شوری شده اند

اخبار دول خارج

روزنامه نوشته بودند که اهل انگلیس از جانب خودشان
 حاکم در آنجا گذاشته اند اما درین روزنامه که درین هفته رسید
 معلوم میشود که حاکم از جانب خودشان نگذاشته اند بلکه
 این شهر عهد نامه داشت که اسیر و غلام و کنیز فروختن را
 موقوف بکند و بخلاف عهد نامه اسیر و غلام و کنیز فروشی میکرد
 از آنجمله قتل انگلیس رفته آن حاکم را بیرون کردند و
 از اهل آن ولایت حاکم دیگر در آنجا گذاشته اند و دولت
 انگلیس هر سال مبلغ کلی خرج می کنند که غلام و کنیز
 از مغرب زمین بپسندند و بسیار برون موقوف باشد
 و این مانع را محض ثواب می شمارند از آنرا که غلام و کنیز
 فروختن را فعل حسدام و بیسندند و لکن چون غلام
 و کنیز فروخته می کنند مردم بیگانه این غلام و
 کنیز می برند و موقوف کردن بسیار مشکل است

فرانس

درین ولایت لویی ناپلیان روز بروز نظم و ولایت را
 سخت تر و مضبوط تر میکند تسلط تمام دارد و کار را بطوری
 راه میبرد که کو یادرقوه کسی نباشد که موافق سابق
 افتاد و شرارت بکند و از جمله احکام که در این روزنامه
 صادر کرده است یکی این است که چون نجاه داشتن بعضی از عیال
 بهانه بچه شرارت مفتدین و اشرار میشود حکم کرده است
 که در سالی یک عید بطور دولتی نگاه بدارند و این عید عید
 امپراطور ناپلیان میباشد
 سایر دول فرانکستان

از ولایات دیگر فرانکستان نیز روزنامه آمده بود اما غیر از آنکه
 چاپ زده شده است چیزی دیگر نبود که قابل نوشتن باشد

انگلیس در دفترخانه وزیر دول خارج این ولایت
 گذارش غریبی اتفاق افتاده است یک روزی
 مختار دولت استرلیه ساعت از ظهر رفته و عده داشت
 که بدین وزیر دول خارج انگلیس بیاید چونکه وزیر
 دول خارج انگلیس شغل زیاد داشت از وزیر
 مختار دولت استرلیه خواهرش کرده بود که یک ساعت
 دیرتر بیاید در ساعت سه ربع بعد از ظهر که یک ربع ساعت
 پیش از وعده آمدن وزیر مختار استرلیه بود بالا خانها که بنا
 بود که وزیر دول خارج انگلیس و وزیر مختار دولت استرلیه
 در آنجا یکدیگر را ملاقات کنند سقف و فرش بالا خانها
 خراب شده با صدای بلند پان آمدند از صدای زیاد پان
 آمدن بالا خانها مردم اطراف زیاد ترسیدند و لکن چونکه آنها
 خالی بود کسی عیب نگرفت و اگر ربع ساعت دیرتر می شد
 یقین ضرر زیاد میسر سازد از اینکه وزیر مختار دولت استرلیه
 و وزیر دول خارج انگلیس بیاید که در آنوقت در آنجا با
 و مکان دارند که باید کل عمارت دفترخانه دول خارج این
 از نوب سازند

در باب گرفتن شهر لا قوس که در کناره مملکت مغرب زمین
 در خلیج کمینیه است که در روزنامه هفته گذشته در احوالات
 متعرفت این روزنامه های گزیت نوشته شده است
 از طوری که در روزنامه های انگلیس می نویسند اهل انگلیس
 جذان رضامندی این عمل ندارند زیرا که از قتل سحری
 انگلیس بسیار زخمی و کشته شده اند و اهل کشتیهائی که
 در آن سستگردش می کنند زخمت زیاد می کنند

احوال متمرقه

در روزنامه اسلامبول که بزبان فرانسه چاپ میزند نوشته اند که در شهر بزرگترت که در مملکت مالداویه میباشد طوفان غمی شده بود باد شدید آمد و در یک زیاد آورد بود چنانکه آفتاب پدید نبود این یک سیاه بود و بوی گوگرد میداد و قشیکه روی برف می افتاد مانند ستر شیده می نمودند از اطراف خبر رسید چونکه این عیالمت کوه تونزنده بود

ایضا در روزنامه اسلامبول نوشته اند که چند سال پیش این کارخانه آهن در مملکت عثمانیه هیچ نبود اما آن کارخانه که نزد اسلامبول راه انداخته اند حالا بطور خوب راه میرود و عمده از فرنگستان آورده اند داخل خود ولایت همسایه کردستان و اسبابهای بزرگ که از چوون و آهن ساخته میشود در آن کارخانه می سازند و درین روزها کشتی بخار آهن که خراب شده بود پارچه های آهن که بجهت تعمیر او لازم بود در همین کارخانه بسیار چند چیز بخار درین کارخانه ها دارند که اسباب برای حرکت میدهد و پنج بخاری که از همه بزرگتر است در وقت اسب دارد و یکی پنجاه و پنج اسب دارد و اسبابها در وقت پیرخ و غیره را از آهن می سازند مانند اینکه در ولایت انگلیس ساخته می شود یکی از این چیزهای بخار بطلوبتت میدهد و آب را بیرون می کشد که بمصرف کارخانه برسد سابقا قشیکه اسباب کشتیهای مزبور شکسته میشد لایه بودند که بفرستند از دول خارج بیاورند حال سینه همین کارخانه ها ساخته میشود

ایضا در روزنامه اسلامبول نوشته اند که بهترین لسنکرگاه

۳۷۲

مملکت شامات در قصبه اسکندرون است که چنان منزل از حلب دور است اما بجهت مرواب چمنهای زیاد که در آنجا است بسیار به آب و هوای شود و هر سالی نه ماه در آنجا ناخوشی زیاد است حال دولت عثمانیه علمه که داشته اند که نهر بکنند و آب چمنها را بیرون بکشند که این چمنها خشک بشود و راهی بسازد مابین لسنکرگاه قصبه مزبور و شهر حلب و اگر چنین راهی ساخته بشود منفعت زیاد بجهت آن اطراف خواهد کرد زیرا که تجارت زیاد در آنجا میشود خصوصاً از عربستان و هندوستان و کردستان و عراق و بعضی اجناس ایران هم بآن راه میرود و قافلدهای بغداد از آنجا روانه می شوند و تجارت بسیار شمال هندوستان هم از آنجا دارند از حلب تا بغداد یک راهی در اکثر جاه کنار رود فرات میرود و اگر در آنجا کشتی بخار براه بندازند آنوقت تردد سیاح و بارهای تجارتی و غیره از بحر عمان و هندوستان یکسر با اسلامبول می شود و ممالک آن اطراف بسیار آباد خواهد شد و بسیار جاها که حالا حیران بایست آنوقت جای حاصل خیز خواهد شد درین دولت عثمانیه فراد پاشا صاحب منصب مهندس را اسکندرون فرستاده اند اما خواهی که بجهت خن این کار با آنجا فرستاده اند کم است و نمیتوانند و نهرها در اسکندرون بطوری است که این چمنها خشک بشود بدون اینکه نخواهی دیگر برسد محمد پاشا حاکم شامان بجهت این عمل نخواه خواهد داد و در این چند وقت اگر این کار قرار بگیرد امید دارند که راه هندوستان و راه چاپارخانه و سیاح

و غیره از فرنگستان هندوستان که حالا از مصر میگذرد
 آنوقت از بغداد بگذرد
 ایضا در همین روزنامهها نوشته اند که لامارکی و لوطی
 مختار از جانب دولت فرانسه معین اسلامبول همراه
 صاحب منصبان سفارتخانه خود بحضور علیحضرت سلطان
 رفته بود که مرضی از سلطان گرفتند مراجعت بولایت
 خودش بکنند و در سلخ جهادی الاول از اسلامبول
 روانه شد
 از جزیره رودشس نوشته اند که طوفان در ماه جهادی الاول
 در آن اطراف زیاد شد و در چند جا آب را مانند
 آبشار از هوا پائین آورد این طور در دریا بسیار دیده
 شده است بعضی اوقات آب را مانند آبشار رودخانه
 از آسمان پائین می آورد و گاهی هم از دریا مانند
 عوآره بالای می کشد و هر دو بجهت کشتی ضرر زیاد داد و
 عوآش از احتق توپ است بهمان کرد باد که او را از هم
 مباشد قدری ضرر هم از آمدن این آب بجزیره رودشس
 و اطراف آن رسیده است اما ضرر زیاد از آمدن تگرگ
 رسیده است که در موسم جهادی الاول تگرگ آمده است
 که کوچک آن بقدر فندق بوده است و بعضی هم بقد
 گردکان و بعضی هم بدشتی تخم مرغ خاکی یک سال
 پیش ازین زلزله سخت در آن جزیره شده بود و در
 بعضی از خانهها و سایر جاهای آن جزیره خرابی کرده بود
 هنوز این شهر را تعمیر کرده اند و چون که اکثرش از
 سنگ ساخته شده است برداشتن سنگها و تعمیر
 کردن شهر بسیار مشکل است

درین سال در اکثر جاهای فرنگستان رنستان بلایت
 گذشته و چند آن سخت و سرد نبوده است اما در
 روزنامههای مملکت ترکی و تنیای شمالی نوشته اند که
 زمستان آنجا سخت شده بود چون تریه و اکثر شهرهای
 آنجا بیکدیگر از روی آب رودخانه می شود و قشک این
 رودخانهها می بندند هم اهل شهر استنکی می کشند
 و تجارت موقوف میگردد و هم فقرا بسیار سختی
 و عسرت میکشند خصوص آنها که تازه از فرنگستان با
 آمده اند که اوضاع درستی ندارند اهل آن شهر را
 بفقرا درین زمستان گذشته احسان و اعانت کرده اند
 بخصوص در شهر قلعه قیسیه جمعی که صاحبان راه آن
 بوده اند و هزار حسروار ذغال سنگی در میان فقرا
 تقسیم کرده اند و تعمیر آن آنجا جمع شده اند و هر یک
 موافق قوه خود یا پول باجنس بجهت فقرا داده اند و پول
 هم سیزم و ذغال سنگی و رخت و آرد و نان و غیره
 بسیار بفقرا داده اند
 در دولت استریه و اهلای آن بجهت تردد کال که بخار
 باین پای سخت برونه و بجز سفید میت زنده و چونکه در بعضی
 جاها راهش کوستان است و راه آن بجهت کال که
 بخار باید هموار باشد در بعضی جاها ساختن این راه
 اخراجات بسیار و سخت زیاد داشت در بعضی جاها
 بالای دره اهل ساخته اند و در بعضی جاها کوههای کوچک
 شکافتند و در بعضی جاها کوههای بزرگ را سوراخ
 کرده اند و راهها را از زیر کوه برده اند و امید است
 که تا آخر تابستان آینه این راهها تمام بشود

۳۷۳

در بعضی شهرهای ولایت فرات نوشته اند که بجهت
 بارندگی سبیل زیاد آمده است مخصوص در شهر نیریز
 و در شهر آروز نیز بارندگی زیاد شده و آب رودخانه
 حبیبلی بالا آمده بود و یکی از پل‌های بزرگ آنجا آب بر روی
 چنانچه در روزنامه‌های سابق مکرر نوشته شده است
 دولت انگلیس چند سال پیش ازین سر جان فرنگلین
 صاحب منصب قون بگری را بادوکشی و کشتی‌بانه‌ها
 و صاحب منصبان بست قطب شمالی و بحر منجمد
 فرستاده اند و از آنوقت تا حال از این شخاص خبری
 باز امید دارند که مسند اینها بر طرف نشده باشند
 سال بسال دولت انگلیس کشتی‌های آن صفحات روانه
 می‌کنند که بگذرند این صاحب منصبان و کشتی‌ها را
 پیدا کنند پس سال از ولایت انگلیس کشتی‌های
 و صاحب منصبان روانه کردند وقتی که به بیخ رسیدند
 کالک که سوار شده و بست شمال رفته بودند و یکی
 کالک بروی بیخ دریا انداخته بودند و در بعضی جاها که
 باد از جهت می‌آمد و مخالف بود کالک‌ها را بجا کمانده
 و در راه بودن کالک‌های بیخ بسیار امداد کرده و بکارشان
 خورده بود و بعضی اوقات هم بروی کالک‌ها مانند
 کشتی‌ها و بان‌کشیده بودند و کالک‌های بیخ را خود کشتی‌ها
 می‌کشیدند و بسیار صدمه و اذیت از بیخ دیده بودند مخصوص
 پایبانشان را که سرزده و زخمی کرده بود و یکی از آنها را
 پایش را سر با چپان زده بود که متوال شده بود پیش برود
 او را با آنجا که کشتی‌ها را گذاشته بودند پس فرستادند

و با آنجا که رسیده بودند و اینها مان خشک و گوشت
 شور کرده و آنچه آذوقه که حمل نقلش ممکن بود همراه خود
 برده بودند و کاه مرغابی و خرگس و حیوانات دیگر را که
 در روی بیخ پیدا می‌شدند میزدند و گوشت آنها را هم از
 شدت که سنگی میخورند و در هر جا که منزل میکردند چاه
 بروی بیخ میزدند و آتش در میانشان روشن میکردند
 بعد از چند وقت راحت با آنجا که کشتی‌ها را گذاشته بودند
 کرده اند اما اثری از آن کشتی‌ها و صاحب منصبان که چند
 سال پیش ازین هت بوده اند پیدا نگردیده اند و دولت
 روس و دولت بیسکی در نیای شمالی بعد از امکان
 کرده بودند و پیدا کردن این صاحب منصبان انگلیس که
 بجزر منجمد رفته بودند و با هم درین فصل تابستان
 سعی و کوشش خواهند کرد

اعلانات

لاتاری سه عدد در پنج ساعت از طلای صاف
 همین کار می‌کنند و هر روزی که در آنجا که در آنجا
 نصب کرده اند و یک سنطور موزیکان بزرگ که گشت
 مقام از مقام‌های ایرانی و سنسری می‌زنند به صد و
 پنجاه و پنج بلیط گذاشته شده است هر بلیطی یک تومان
 و این پنج سیرا و موزیکان در نزد موسیور و جیاری تا هر
 سنسری در کار و التشرای بزرگ جدید جنب امازاده ریند
 میباشد و این اسباب را چهار قسمت کرده است
 که بچهار نفره می‌افتد